

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۴ صفحه

۷۹

پیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- نگاهی به جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویونیوسها (۲) صفحه ۱۷
- در چین ر ویزیونیستی چه میگذرد؟ (۳) صفحه ۱۰
- مصاحبه با رفقا حسین رو حانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۸) صفحه ۱۵
- با چشم باز در افاق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۱۰) صفحه ۶
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۸

وظایف عملی مادر قبایل آوارگان جنگ

با وحشیگری جنگ ارضای ایران و عراق و سدد حملات طوس در کردستان و حرکت به شهرها، مخصوصاً مناطق سردک که مرکزها به حواری و غلایک عده زیادی از بوده های این مناطق را درسی دانسته، حلی از شهرها از حمله هوار، آسادان، حرمیرو... عمدتاً از جمعیت حالی شده و مردمی دفاع از این شهرها که از آنرا محبت جنگ سسوده آسده بودند محسوسه کوچ به شهرهای من برار حمله سوار، مسدولمان را مبرم و... کردند.

بعضه در صفحه ۱۳

در کرمانگرماکرم جنگ غیر عادلانه کنونی رژیم جمهوری اسلامی ۳ پیکارگر دلیران در خوزستان تیرباران کرد

★ پیکارگر شهید محمد اشرفی، نفنگر کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
★ پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
★ پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، جرم: کمک به جنگزدگان و مسئول چادر امداد هواداران پیکار

صفحه ۷

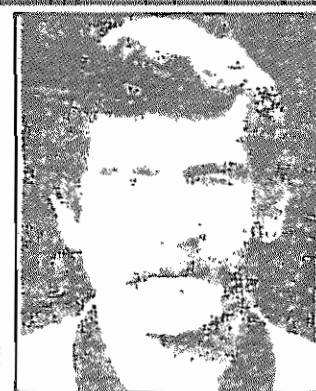


سرمقاله

آزادی گروگانها: آغاز ماه عسل روابط ایران و آمریکا

رور سردهم آبان سالروز واقعه سفارت است. درست کمال و اراش واقعه مکرر درواغدهای که طی آن ۵۲ جاسوس آمریکایی به گروگان گرفته شدند. و در تمام حمیوری اسلامی وسوره حاج حرد سورزوی آن کوسندنا درانه این اندام با مطلاع عداسرانیسی سروسهم بوده ها که در آن زمان به سرعت روند قبول بودنا فراند. و اراش طریقی نامه های سدرت حودرا هر چه سسر سست سنا بد. واقعه سفارت که خود سنا سکر سنا ده های دروسی دوحاج ارضان خاکمه را سگوسونا دحس حورده سورزواخی هاب خاکمه (حده در درون حزب وجه خارج اراش) سا امیراللمم آمریکا بعضه در صفحه ۲

پرنس شاه مبارزات کازگری



گرامی باد
یاد پیشمرکه
شهید
رفیق تیمور
حسینانی

صفحه ۵

۱۳ آبان، روز نبرد خونین
دانش آموزان انقلابی
بامزدوران رژیم شاه
گرامی باد

صفحه ۲۲

چهارشنبه ۱۲ آبان ۱۳۵۹

پیکار

جنگ و حماسه رویونیوسها

پاکستان از جنگ ایران و عراق سود می برد!

کودنا جان در خدمت رژیم جمهوری اسلامی

گروه های مختلف جنگ دستگیری هواداران سازمان مکرر امیراللمم آمریکا، دانش اصلی حمله های ایران

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

بود، بمتنا به تندپییجی بود که نه تنها توده‌ها بلکه بسیاری از نیروهای کمونیستی را نیز غافلگیر کرد و آنها را به انحراف کامل از ما رگسبم و بسا لغزش از آن دجا رنمود. که ما در شما ره‌بسن از آن سخن گفتیم، اما گذشت زمان واقعات و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی، بتدریج و تها حد زیادی چهره دروغین مبارزه فدا میریالیستی او را روشن ساخته و برای سخنهای وسیعتری از توده‌ها معلوم گردید، که رژیم‌ها کم‌کم در برابر سر منافع آنها ایستادگی نموده خواه سنها از آنها را با سرکوب و گلوله‌ها یا سخ میدهد، ته میخواد و دونه میخواند فدا میریالیست باشد.

جنگ ایران و عراق، عامل جدیدی بود که رژیم جمهوری اسلامی توانست در سه آن یکبار دیگر به توهمن توده‌ها داس سزند و انگونه و انمود نماید که این جنگ را امیرالیم آمریکا توسط عراق و با هدف سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تدارک دیده است. یوفیای تبلیغاتی رژیم بکار افتاد و دندوروز سب توده‌ها را به "دفاع از میهن" و "نیایدت در راه اسلام" فراخواندند و تشور جنگ نا عا دلانه‌ای را که گوشت دم‌توب آن تنها زحمتکنان دو کشور ایران و عراق بودند ا غترو دا غترگردند. این جنگ نیز همانند واقعه سفارت نه تنها توده‌های وسیعی از مردم ما را دچار توهمن نمود و آنان را از موضع شرافتمندانهای به دفاع از میهن و ادا ساخت، بلکه بخش نایبگیر جنبش کمونیستی ما را نیز غافلگیر و دجسار انحراف جدی نمود. این تندپییج دوم در طول یک سال اخیر نه تنها خیانت روبریونبستتها را بیش از گذشته افشا کرد، بلکه خط فاصل مبسبان نیروهای بیگرونا بیگیر جنبش کمونیستی را بسن از هر زمان دیگری پرورنگ و آشکار ساخت.

اما اگر از واقعه سفارت تا شروع جنگ ایران و عراق نزدیک به یکسال وقت لازم بود تا توده‌های وسیعتری بی به ما هیت "فدا میریالیستی" رژیم جمهوری اسلامی بپرند، اینبار از شروع جنگ ایران و عراق بسن از ه هفته نگذشته است که اسطوره "فدا میریالیست بودن" رژیم سرعست در حال فروریختن است و هر روز که میکذرد، پرده‌ها بالا میرود و چهره واقعی این رژیم فسد خلقی و با سدارسما به برای بخشهای وسیعی از مردم روشن میشود و این نیست مگر نتیجه حدت - یابی مبارزه طبقاتی و رشد و اعتلا و جنبش توده‌ای، روندی که ویژگی دوران کنونیست جا معماست.

شروع جنگ ایران و عراق از یکسوز میسبه مناسبی بود که بنی صدر و لیبرالها و بخش کبرادور که بی‌بزه در ارتش دارای قدرت و نفوذ هستند، در مقایسه با حریف خود، حزب جمهوری موقعیت مناسبتری پیدا کرده و با بدست گرفتن مقام ریاست سوری عالی دفاع توسط بنی صدر و بسا

توجه به نقش و اهمیت که ارتش در شرایط جنگ فعلی دارد، برنا مهوسیا ستهای خود و از آنجمله به پیود و گسترش روابط ایران و آمریکا را به پیش ببرند. از سوی دیگر عواملی چون برتری نظامی عراق و بهیثروی ارتش آن در مناطقی از ایران وابستگی اقتصادی و سوزینه نظامی ایران به آمریکا و در همین رابطه کمبود تجهیزات و وسایل یدکی نظامی و مهمات و مهمات از همه عدم پشتیبانی مردم و مخصوصا اهالی مناطق جنگ‌زده از این جنگ ارتجاعی و غیرعا دلانه و چشم‌ندا ز بحران سیاسی - اقتصادی ناشی از این جنگ که تا ما در رابطه با ما هیت ضد خلقی هیات حاکمه قرار دادند موجب میشود که علاوه بر لیبرالها و کمپرادورها، جناح بورژوازی حزب جمهوری و حتی برخی از نمایندگان غیر وابسته به این حزب (نظیر خلخال) نیز روی سرعت بخشیدن به به پیود و گسترش روابط ایران و آمریکا تکیسه کنند.

در این میان، آزادی گروگانها از آمریکا برخلاف آنچه که در ریم دعا آن را دارد، نه نقطه پایان، بلکه نقطه آغاز این روابط و بمتنا به چراغ سبزی است که ایران بعنوان "حسن نیت" از خود نشان میدهد. علائم این حسن نیت از مدت‌ها پیش و بخصوص در سفر نخست وزیر مکتبی و حزبی به سا زمان "دول متحد" کا ملا آشکار بود. رجائی نخست وزیر حزبی که تا همین جندی پیش (وا مروز هم) از جنایات امیرالیم آمریکا داد سخن میداد و گروگانها را جاسوس و قاتل مسلح محاکمه میداد، در سفر اخیرش به آمریکا و در محاسبه با خبرنگاران اظهار داشت که آمریکا (یعنی همان شیطان بزرگ) قدم در راه تکامل معنوی گذاشته و آنچه را که آمریکا با ید در قبال آزادی گروگانها متعهد شده عمل پذیرفته و تنها کافی است که بیروی کا غذا ورده شود!

خلخال این نماینده با نفوذ مجلس شورا نیز قیل از تصمیم‌گیری نهائی مجلس درباره آزادی گروگانها، در محاسبه خود با خبرگزاری سوئد اظهار میدارد:

"علاوه بر میانه‌روهائی که در اطراف بنی صدر رئیس جمهور ایران هستند نمایندگان دیگری هم خواستار آزادی گروگانها قیل از انتخابات هستند... این اقدام نمایندگان بخاطر کمک به پیروزی کارتر در انتخابات نیست، بلکه بخاطر این است که ایران هم اکنون در نظر دارد، بیشترین سود را از مبادله گروگانها ببرد" (کیهان ۸ آبان ۵۹) خلخال بلافاصله نه تنها مفهوم بیشترین سود، بلکه با سادگی و صراحت تمام مضمون اصلی شرایط افاده بر شرط قبلی را سسرای آزادی گروگانها بیان میکند. و در دنباله سخنان قبلی خود میگوید:

"یک شرط به چهار شرط قبلی برای آزادی

گروگانها افزوده شده و آن ارسال سلاحها و لوازم یدکی است که ایران قیل از آمریکا خریداری کرده و در یافت نداشت بود" (همانجا) خلخالی اما فیه میگوید:

"نظر به اینکه شوروی به عراق کمک میکند آمریکا هم با ید به ما اسلحه بدهد... جنگ با عراق طولانی میشود و اگر آمریکا به ما سلاحها بی که خریداری کرده بودیم ندهد تعداد زیادی از مردم جان خود را از دست میدهند" (همانجا).

روشن است که موضع رژیم جمهوری اسلامی، آمریکا را بیش از حد خوشحال میکنند و کارتر هم قیل موافقت آمریکا را با این مساله در مساحت تلویزیونی انتخاباتی خود اعلام داشته بود: "بمحض آزادی گروگانها آمریکا لوازم نظامی که ایران قیل سفارش داده بود به ایران کشور را ارسال میدارد" (همانجا)

ضمناً آمریکا با در نظر گرفتن جوانب دیپلماتی این مساله در رابطه با سوسال امیرالیم روس و جنگ کنونی ایران و عراق و در واقع برای شروع و قانونی جلوه دادن ارسال اسلحه به ایران از زبان سخنگوی وزارت خارجه اش اعلام میکنند که:

"احتمال ارسال اسلحه و لوازم یدکی به ایران "بیطرفی" آمریکا را در جنگ ایران و عراق تفسیر ننمید" (همانجا)

در اینجا این نکته را نیز باید اضافه کرد که انتخابات آمریکا اگرچه در تسریع آزادی گروگانها و به پیود و گسترش روابط ایران و آمریکا موثر بوده ولی این به پیوج به معنی تعیین کنندگی آن نبوده و رژیم جمهوری اسلامی با توجه به ما هیتش چاره‌ای جز حرکت با این سمت نداشت و قیل از آنکه برای رژیم جمهوری اسلامی انتخابات کارتر با رتوریا ریگان مطرح باشد (که این البته معنی ندیده گرفتن جنبه ترجیحی انتخاب کارتر برای رژیم جمهوری اسلامی نیست) مسئله روابط سیاسی و اقتصادی اجتنابنا پذیر رژیم حافظ سرما یداری وابسته ایران با امیرالیم آمریکا است.

با این ترتیب، آزادی گروگانها، که همه چیز بر قطعیت آن دلالت دارد، اگرچه نقطه پایانی است بر یک دوره بحرانی از روابط ایران و آمریکا، ولی نقطه آغازی است برای یک دوره "شکوفائی" روابط ایران و آمریکا، بنا بر رژیم جمهوری اسلامی ایران با ید بدان پامی گذاشت و در آن زندگی و تغذیه میکرد.

اما اگر آغاز دوره شکوفائی روابط ایران و آمریکا بمعنی تشدید و استبداد است، توده‌هاست، بس با ید آنرا هم چنین نقطه آغاز جدیدی در فروریختن هر چه بیشتر توهمن توده‌ها، تشدید مبارزه طبقاتی و رشد و اعتلا بیشتر جنبش دموکراتیک و فسد

بقیه در صفحه ۲۰

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



پوششنامه مبارزات کارگری

رفقا! در راه با تمحیح خط مشی، مضمون و شکل "پیکار" که ما از شماره ۷۳ به این طرف، کوسیدیم فعلاً نه در جهت آن اقدام نمائیم و نشوید را بیکارگان سیاسی - تبلیغی توده‌ای تبدیل نموده و بویژه نقش جنبش کارگری را در آن سرچشمه نمائیم. اکنون قصد داریم بصورت مرتب، صفحاتی از نشریه را (با توجه به مجموعه محدودیتها و امکانات) به درسیانی از جنبش کارگری اختصاص دهیم. بی شک بدون رابطه فعال کلبه رفقای بخش کارگری سازمان، امکان برخورد به مسائل کارگری از طرف هیئت تحریریه، محدود میسود ما ضمن آنکه از طریق تشکیلات، ارتباطات کارکنان با بخشهای کارگری سازمان را در نظر داریم، در عین حال میکوشیم از طریق خودنشریه نیز ارتباط لازم با رفقای هوادار که فائداً ارتباط تشکیلاتی هستند را بوجود آوریم.

از اینرو سرسنا مه‌ای را تهیه کرده ایم که بوسیله‌های سخن به سئوالات آن بتوانان گزارشات و تجارب مبارزات کارگری را بصورت کامل ملاحظه دقیق و همه‌جا نبه تهیه و جمع‌بندی نمائیم. از این پس، رفقا، باید بکوشند در برخورد به مسائل مبارزات کارگران نکات مطروحه در سرسنا مه را مورد نظر داشته باشند. و بر اساس آن گزارشات و تجارب مبارزات کارگران را برای ما ارسال نمایند. تا ما بوسیله آن بتوانیم:

اولاً - در عرصه مبارزات کارگران در هدايت و ارتقاء مبارزات، جمع‌بندی علل شکست و پیروزی آن و منعکس نمودن آن برای کارگران فعلاً نه تریکوشیم.

ثانیاً - بدین ترتیب بتوانیم بصورت عینی‌تر در جریان مبارزات کارگری قرار بگیریم و تا کتیکها و تحلیل‌هایی خود را از جنبش کارگری بر اساس شناخت همه‌جا نبه و گسترده‌تر از وضعیت موجود جنبش کارگری بنا کنیم.

ثالثاً - بتوانیم بصورت فعال مبارزه ایدئولوژیک ما حریانان رویزونیستی و انحرافی را در عرصه مبارزات روزمره طبقه کارگر نرسه بیس برسیم. و بدین ترتیب محدوده مبارزه ایدئولوژیک را به مقیاس وسیعتری در میان

کارگران گسترش دهیم. از اینرو بر خورد مداوم، روزمره و در عین حال دقیق رفقا در جمع‌بندی و ارسال تجارب و گزارشات مبارزه کارگران مینواند ما را در راه رسیدن به اهدافمان یاری رساند.

تهیه این سرسنا مه در خدمت جهت دادن به فعالیت رفقا در کارخانه‌ها و کمک نمودن به چگونگی جمع‌بندی رفقا از مبارزات کارگری قرار دارد. ما انتظار داریم رفقا با برخورد فعال نسبت به آن، در غنا بخشیدن به فعالیت نشریه پیکار کوشش نمایند!

۱- تحلیل زمینه‌های حرکت اعتراضی (هم‌ز نظر اقتصادی و هم‌ز نظر سیاسی).

۲- شروع مبارزه (با ذکر تاریخ دقیق):

۳- مبارزه چگونه آغاز شد؟

۴- در موقع شروع مبارزه با تمام کارگران سازمان هم‌در مبارزه شرکت کردند؟ اگر نه در ابتدا چه دردی از کارگران مبارزه را شروع کردند؟

۵- عکس العمل کارگانی که در ابتدا در مبارزه شرکت نکردند در قبال پیچیده چه بود؟

۶- کارگران مبارز چگونه و به چه وسایلی بقیه کارگران را به مبارزه کشیدند؟ سیوه‌ها و وسایلی که مورد استفاده کارگران برای عمومیت بخشیدن به مبارزه قرار گرفت چه بود؟ (تبلیغ شفاهی، دعوت از کلیه کارگران و ایراد سخنرانی، بخش اعلامیه و تراکت در سطح وسیع، راه‌انداختن نظرات و راهیمائی در قسمت‌ها، تهدید و ارعاب و...).

۷- شکل حرکت اعتراضی: اعتصاب، کم‌کاری، تحمیل، عریضه نویسی، گروگانگیری، اشغال کارخانه و....

۸- شکل عمومی حرکت اعتراضی در این کارخانه چگونه بوده است و اگر در مقطعی شغییری رخ داده است به چه علت بوده؟

۹- روحیه‌ها که بر حرکت کارگران چه بود؟ تهاجمی و در عین حال منضبط یا آنا رشیستی و آرام....

۱۰- خواستهای اساسی کارگران:

۱۱- خواستهای اقتصادی: افزایش دستمزد، نقل و ساغت کار، بهبود شرایط کار، الفوشیکاری، الفو

عدم استقبال کارگران علاءالدین از رفتن به جبهه

روز سنه ۳ آبان، از طرف شورای کارخانه اطلاعیه‌ای برود و دیوار حسیا نبه میسود مبنی بر اینکه هر کسی که ما یل به رفتن به جبهه جنگ است برای اسم نویسی به دفتر شورامراجعه نماید. اما کارگران عمدتاً از این دعوت استقبال نمیکنند و از شیفت شب فقط یک نفر از شیفت روزهم تعدادی معدودی نام نویسی میکنند. کارگران اغلب رژیم را مسئول پیشروی نیروهای عراقی میدانند و میگویند: "جرا ما باید به جنگ برویم اما سرمایه داران کارخانه‌ها و ملاحا و بهشتی و رفسنجانی راحت بگردند." کارگران همچنین گران‌ترین سرمایه‌ها را جنگ بعد از جنگ چند برابر شده است، شدیداً ناراحت و عصبانی هستند. آنها میگویند: "با زاریها که از این جنگ با گران کردن اجناس سود میبرند، چرا به جبهه نمیروند؟" علیرغم تبلیغات فراوان رژیم و علیرغم تهاجمی عوام فریبیها پس در مورد جنگ، کارگران که فئان را ثرات جنگ، همچون گران‌ترین را پیش از همه بردوش میسند، ناراضا بتیثان از رژیم روز بروز بیسر میسود.

۱- ساعات کار رسب در شرایط جنگی و...

۲- خواستهای سیاسی: از بین بردن نیروی ویژه، ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به کارخانه جلوگیری از اخراج کارگران مبارز، برانداختن محیط خفقان در کارخانه، آزادی کارگران دستگیر شده و...

۳- این خواسته‌ها (اقتصادی و سیاسی) تا چه حد مناسب انتخاب شده بودند (با تحلیل مشخص شرایط مشخص).

۴- شکل کارگران برای پیشبرد مبارزه:

۱- آیا برای پیشبرد مبارزه، کارگران تشکیل داشتند؟

۲- اگر تشکیلی موجود بود این تشکل از کجا بوجود آمده و بروسه اتحاد آن چه بوده است و (چگونگی ماهیت آن؟ لیبرالی، رادیکال یا...)

۳- نقش تشکل در پیشبرد مبارزه چه بوده است؟

۴- اگر تشکل در جریان همین مبارزه بوجود آمده است در چه مقطعی از مبارزه وجود آن حسی شد و ایجا دگردید؟

۵- نقش "عنا صراگه" در وجود آوردن تشکل چه بوده است؟

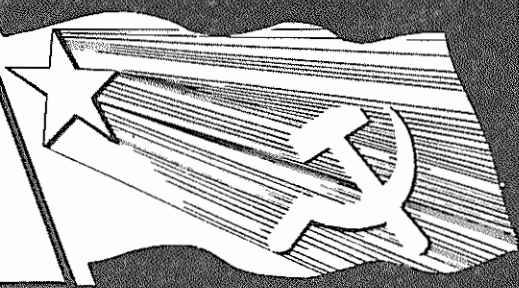
۶- آیا ضرورت بوجود آوردن تشکلهای عمومی نظیر اتحادیه‌های سرتاسری و... در جریان مبارزه مطرح شد؟

۷- تشکلهای عمومی نظیر اتحادیه‌ها چه نقش احتمالی ای در پیشبرد مبارزه داشتند؟

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

پیگار

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



سازهای بوده‌ها، دنیا نیا زهای اجتماعدی
سست، درمقابل هرتحولی که در جامعه ایجاد
میسود، بوده‌ها ما بسودنا بدندا سد، این سفر
جدا سیری در زندگی آنان بحای میگردارد و
با بدندا سد که چه او کسی سست ندان بسفرو
بحول داسه باسد. لسن بدرستی تا کبدممکند
کدندون تک سلطع کموسسی حول ناح صحح
نه مثل بوده‌ها (اجتماعدی، ساسی، نظامی)
سی توان کارگران را بسوی کموسسم کسند .
لسن برای آموزش کارگران راه دیگری نیی -
سازدیگرا سح نه همان مسائل جاری بوده‌ها ؛
" برای اسکدکارگر ستواندوسال دیگرا ب
بود، با بدطبع اجتماعدی و سمای اجماعی
وساسی مالک و کسی، اعنان و دههسان،
داسجرو و لکردار روس در بطر خود محم
کند... سواند سیزده ده که کداسک از
بوساب و مواسن فلان با سیمان مابن را
معکس مسار رسدو هما با حکومه معکس
سارسد، ولی این صور روس را ارمح
کناسی مسعود سبب آورد. انرا فسط
ما طر رسیده و اناسی بدون فوب و صب آنجیز
ها ئی سنواند سبب دده که در لحظه کنونی
در سیر امون مارح میدهند و در آن همه
و هر کس سا به سلطه خود صحت کد و با
اسکد فلان جوا مسکند و در فلان و فلان واسعه
فلان بکره و فلان و فلان حکم دادگاه و غیره و غیره
سطا هر کس سبب است. اس اساکر نیای همه -
جانبه ساسی سوط ضروری و احلی سرور س
روح تعالبت انطاسی بوده مساشد (۲) (ناکد از ماست)

تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۳)

اصل دوم: درک نیازهای توده‌ها (اساسی ترین مسئله توده‌ها چیست؟)

کد سبیا در سوسیا لسم - رخای اساسی آسان
بر آورده می شود. با درکار ما روره برای اسفرار
سوسا لسم کد مابن اساسی آسپا را بر آورده می
- کند، با سسی مسائل سرور رسد بوده‌ها را در
- بطر کسرم، اگر ما رزب بوده‌ها اقتصاددی
است، با سسی درجهت ناح بد آن بر آسد،
در عس حال کد همواره با سسی به سارهای سیر م
بوده‌ها در سبب مسائل ساسی ناح کتب .
سلطع با سسی بکودای عمل کد کد
بوده‌ها همواره در ناح روس و صرح ما در مورد
همه سارها با سس روی سا ورسد، آسپا با سد
دنا سد کد مسائل فلان، مسائل ما سرحب و س
بگا سدرجانی سبب کد مسائل آنان با سلطع
در سسی که سسطی سربان سارخی - طبقاتی
آنان سرحب میدهم .

بس از این کسسم کد اشلات سبها و سبها کار توده‌ها
است، ما برای تک اشلات سرور رسد با سد
بوده‌ها را آماده مسود و سلطع اسراری برای
رهبری مبارزه طعمه کارگران، در سارده سس
کسسم با سسی سبب بوده‌ها را در رسد با سد و
ار ساط سلطع با احساسات بوده‌ها را و سبب
دادیم، در اس سارده تا بون دوم سلطع را
بررسی میکنم .
همسده کد سبب کد با سسی در سار زاب بوده
- ها سربک حسب، آسرا رهبری کرد و اسما، داد
اما اس سربک در سار زاب بوده‌ها حول حسبه
مسائلی با بدندا ؟
کموسس سبب با سسی همواره سار مبدنیهای
بوده‌ها را در با سد و درجهت رفع اس سار مبدی
- ها بکوسد، با سد در عمل نه بوده‌ها با سس دان داد
که سار زه ما سبب طر آن سبب و درجهت حل مسکلاب
آسرا، سبب لاسه می کوسم، آسپا با سسی سندر سح
در سبب سبب که ما سبب روس سبب سبب کد کد
"حبالاب عجب و عرب" در سبب سبب، سبب سبب
آسپا با سد در سبب اطراف خود ما را سبب کسند و
در سبب می دیوار سبب ما را همرا خود سبب سبب .
نوده‌ها با بدبده ما اعتماد کد سبب سبب در راه
رهسموده‌ها ما، که در سس مبدنا سبب درجهت
منا سح خو سبب احساس میکنسد، جان سبب سبب زبب
تبلیغ موظف است همواره مسائل نوده‌ها را در -
سبب سبب و از سبب زهای آسپا حرکت کند، روسی
ما شود اس ساره می کد :

* تبلیغ بایستی بگونه ای عمل کند که توده‌ها همواره به پاسخ روشن و صریح ما در مورد همه نیازهایشان روی بیاورند، آنها باید بدانند که مسائلشان، مسائل ما نیز هست و ما یگانه جریانی هستیم که به مسائل آنان پاسخ درستی که منطبق بر منافع تاریخی - طبقاتی آنان نیز هست، می دهیم .
* توجه به نیازهای توده‌ها از جنبه حائز اهمیت است .
الف - از جنبه کسب اعتماد توده‌ها، نشان دادن پیوستگی مبارزات کمونیستها با مبارزات توده‌ها ،
ب - از جنبه آموزش توده‌ها

بوده‌ها فوراً و در اسندا، قانونمندی های
اسسما رخا معطفا نی را در ک سبب کسند و ضرورت
سرنکوسی آن را در سبب با سبب، کار سرحول سبب
کمونسسپا در اس مبان ضرورت دارد، کمونسسبب
- ها با سستی از همان مسائل روز مره توده‌ها از
بنا سبب به همان سبب زهای جاری نوده‌ها این ضرورت
را به نوده‌ها نشان دهند توده‌ها، روشنفکر
سبب سبب که از خلال مطالعه قانونمندیهای جهان،
سبب نه آن سبب سبب، با سستی نوده‌ها را در سبب سبب
همان مبارزه طبقاتی روز مره آموزش داد و حول
همان مسائل مشخص سلطع و ترویج کرد، با سد
از مسائل خاص، برای آموزش نوده‌ها استفاد ه
کرد تا معرفت عام با سبب بقول لنین :

مارکسیسم - لنینیسم معتقد است که سبب -
آوردن سار را سبب نوده‌ها (سوسا لسم) بدون
بر آوردن سبب زهای روز مره آنان امکان سبب
سبب، کمونسسپا برای اسکد سبب سبب رهبری
سار زه طبقاتی بوده‌ها را در رسد داسه با سد،
با سد در سار زاب هر چند کوچک آنان سربک کسند.
در عس اس صورت نوده‌ها در سبب سبب با کمونسبب
- ها همرا سبب سبب، با سد نوده‌ها را در
ضمن مبارزه برای سبب زهای با سس هنگام
نا سح دادن به مسائل اقتصاددی - ساسی فلان
سرور سبب داد .
توجه به سبب زهای نوده‌ها از دو جنبه
حائز اهمیت است .
الف - از جنبه کسب اعتماد نوده‌ها، نشان دادن
سبب سبب مبارزات کمونسسپا با مبارزات توده‌ها،
ب - از جنبه آموزش نوده‌ها .

"بنا طر سبب قرار می سبب نوده‌ها با سد در
جهت سبب سبب و آرزوهای آنها عمل کرد
هر کاریکه برای نوده‌ها اسما سبب، با سد
از سبب سبب سبب آنها سرحب سبب، سبب
از سبب سبب یک فرد، ولو اسکد اسبب سبب
خیر خواه ناسند" (۱)
طبیعی است که دنیا با سسی و احلی نوده‌ها
توسط "سوسا لسم" بر آورده می شود، اما با در سبب
است اگر که به نیازهای روز مره توده‌ها توجه
نکنیم و در سد حل آنها بکوسم، به این دل سبب

بقیه در صفحه ۱۶

(۱) - ما شو سبب و احدر را مور فرهنگی .

(۲) و (۳) - لنین چه با سد کرد .

خاطرات يك سرباز (۱۰)

۲۰ اردیبهشت

امروز به صحرا رفتیم صحرا قدر زیباست. تمام کردستان زیباست. دشتهای سرسبز که دامنهای کوهسارانی استوار هستند. گلپای وحشی بهاری که در معرض نسیم تاب میخورند. بیبا رزیبای کردستان!

بر روی گندمهای تازه که در صحرا کاشته اند به آموزش نظامی پرداختیم در هر حالت سالی که سربازان بدور هم جمع میشوند چند نفری حرفهای فکرمی زدند. یکی از درجه داران از کروگانگیری ایشان تعریف میکرد و میگفت: وقتی که آنها را گرفتیم آنقدر زدییم که دیگر خانی در بندمان نماند. یکنفر دیگری گفت: آنها مردمی بیگار و مفت خور هستند. به او گفتم: پس این زمینی را که زیر پای ما است حکمی کاسته است؟ سکوت کرد. من هم سکوت کردم کافی است آنها را بفکر بیندازی. تا زه سبب ما ورنده که و برای آنچه شب و روز به آنها میگویند، واقعبات دیگری هست که تنها لازم است آدم گوسپا و حسمها پیش را بکار بیندازد تا آنها را در باد، آخسر آنها خودشان هم غالباً از خا شواده های زحمتکش برخاسته اند و اکنون نیز نحت ستم و تبعیض هستند گندمهای تازه در سرتج دهقانان زحمتکش کرد حاصل دستهای پهنه بسته، زیر حکمهای مالهد

افسرده به بادگان برگشمت ۳ بعد از ظهر برای یک سخنرانی جمعمان کردند. آخسر همیشه غذای سمی لازم است تا مغزهای فاسد تربست شوند! سرگرد سخنران خود را معرفی

با چشم باز در افق خونین کردستان



کرد: من عمو داد ره سالی - ایدئولوژییک (همان آسرخانه های که غذای سمی می بزد) سنا دمشرک ارتش جمهوری اسلامی ایران هستم. در سنا دمشرک برای مکتبی کردن ارتش اداره - ای بنا ما اداره (سیاسی - ایدئولوژییک) نسکل شده است. ما ۱۵۰ نفر هستیم و در حال لیاستن داریم. از ما امتحان بعمل آمده است و دوسه ما د آموزش دیده ایم ما در تیمهای دو نفره به بادگان - ما میرویم و در آنجا به فعالیتهای تبلیغاتی از قبیل تشکیل کتابخانه، انجمن اسلامی، تشکیل نمازگاه و ترو نسبت سخنرانی، میبازیم اولجن صداس را محکمتر کرد و از مبارزه با کفار و دشمنان اسلام سخن گفت... حرفهای پیش ا دادی "الله اکبر" قطع میکرد و او همچنان ا داد به صداد آبه های قرآن را میخواند که حکم بر کوبیدن منافقین و از بین بردن کفار، داده اند. آبه ها را با آلتها فراوان فراشت میکرد و سعی داشت لجنش کوبیده با سدر حرکت لنها و دهان بازش توجهم را جلب کرده بود سرگرد سخنران، ارتش را برای ما انتظا و توصیف و دسته بندی میکرد:

بقیه در صفحه ۱۶

جوانان نقش مهمی بعهده داشت. آکا هسی نسبتاً بالای رفیق، آشنایی او به مسائل و منکلات روستاییان، و خصلتهای انقلابی اش او را هر چه بیشتر به توده ها نزدیک مینمود. روستا - ثیا ن زحمتکش روستا های منطقه کامیاران (کوله ساره، شاهینی، ماویان، افریان، لایسن، نجف آباد، کانی کشته، طه...) هیچگاه در آنجا فعالیتها و مبارزات رفیق تیمور را از یاد نخواهند برد. همچنین پیشمرگان سازمان که رفیق نیز در میان آنان بود همیشه بر خوردهای صمیمانه و رفیقا نه اش را بیادخواهند داشت. رفیق تیمور بعد از پنج ماه مبارزه خستگینا پذیرد ر روستا های اطراف کامیاران به بوکان بازگشت و با بعهده گرفتن مسئولیت دسته ای از پیشمرگان سازمان سگار (دسته شهید نجم الدین) همراه توده های زحمتکش به ادا م مبارزه بر علیه متجاوزین به حقوق زحمتکش کردستان و سایر خلقهای ایران پرداخت. رفیق آنی از مبارزه نداشت، تا بدانجا

که خون با کس را نسا را طبقه کارگر و زحمتکشان سراسران کرد.

کرامی بادا د شهید رفیق تیمور حسبان! کرامی بادا د شهیدای بخون خفته خلق! سرورنا د جنبش مقاومت خلق گسرد در بیوندیا مبارزات خلقهای سراسران! بر فرا ربا د خود مختاری خلقها در جمهوروری دمکراسک خلق! سازمان سیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۲۵۹/۷/۲۰ بوکان



در بزرگداشت رفیق تیمور

سازمان سبادت رفیق تیمور در ۲۷/۷، سیمرگان وعده زیادی از مردم جسد شهید تیمور را برای حمل به زادگاه روستای قازلیان (در نزدیکی بوکان) تا بیل تسییح میکنند. در طول راه شعارهایی به پشتبانی از پیشمرگان و جنبش مقاومت داده میتد. سپس انبوه جمعیت با ماشین را هی زادگاه رفیق شده و در آنجا شهید را با نقلاب خونین را به خاک میسپارند. در مراسم خاک سپاری رفیق شهید از طرف سازمان سیکار، گومله، دفتر ما موستاشیخ عزالدین حسینی بیام خواننده مشهود مراسم با صحبتهای گرم و صمیمانه به پسر شهید ختم می یابد.

در روز سوم رفیق شهید در روستای قازلیان زادگاهش مراسم برپا میگردد. در این مراسم ما زمان سیکار... و یک قطعه شعر خوانده میشود. در طول مراسم سرودهای ای شهیدان و چند سرود دیگر توسط پیشمرگان و اهالی منطقه خوانده میشود و شعارهایی به پشتبانی از جنبش مقاومت داده میشود. در روز ۷/۲۹ بمناسبت یادبود شهید رفیق تیمور در مسجد بازاری بوکان مراسم یادبود به صورت خانوادهد شهید برگزار میشود. در این مراسم یکی از پیشمرگان سازمان سیکار در راه با شهید شدن کاک تیمور، مختصری از شرح حال مبارزاتی او، جنگ ایران و عراق، مسئله خود مختاری صحبت میکند. در این یادبود ما زمان جریکها (اقلیت) خوانده شد.



درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

درگرمای جنگ غیرعادلانه کنونی

رژیم جمهوری اسلامی ۳ پیکارگر دلیر را در خوزستان تیرباران کرد

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، با قلبی مالامال از عشق به زحمتکشان و نفرت و کینه به دشمنان خلق و با افتخار روسری بلندی شهادت ۳ پیکارگر دلیر ۳ عاشق خلق و ۳ دشمن آشتی ناپذیرا میریالیسم و سرمایه داری را به اطلاع زحمتکشان میهن میرساند و بیمانشی استوار ترسرای رهاشی زحمتکشان، مانع همیشه تنهایی تکاشن توده های انقلابی میهن روی می آورد.

خلق قهرمان ایران: در بحبوحه جنگ ایران و عراق، کذب و کربنای تبلیغات دروغین رژیم مبنی بر "دفاع از میهن" کوش فلک را کرده است. در سایه ای که به بیجا به شرکت در جنگ، رژیم میکوشد مبارزات توده ها را سر علیه میریالیسم و ارتجاع منحرف کند.

در زمانی که بیخاطراین جنگ غیر عادلانه توده های زحمتکشان ما زیر باران خمسه رده و توب و راکت، خانه خراب و در بر دیر میشوند و جان می سپارند.

در هنگام مکرر بمباران توده ها، خود را مدافع مردم و مدافع میریالیسم حساب میزنند، آری در سب در همین هنگامه جنگ با دولتی دیگر نیز، رژیم بیسی از بیسی بر علیه انقلابیون و زحمتکشان نوظنه میکند.

رژیم ارتجاعی ایران اکنون با تشدید خفقان و سرکوب، دستگیری و شکنجه و با لاشه اعدام انقلابیون کمونیست، بخوبی نشان می دهد که دشمن واقعی کیست؟ و چه هدفی را در این جنگ دنبال میکند.

رژیم که به بیجا به جنگ هم اکنون مشغول بند و بست با میریالیسم آمریکا برای خرید سلاح و آزادی جاسوسی است، رژیم که در این ۲۰ ماهه، جرگشتا و رفر و نکت و بیکاری و جنگ خانما سوز برای زحمتکشان ایران به ارمان نیساده و رده است و همچون رژیم ضد خلقی شاه شاهان و بختیار مزدور به سر نیزه تکیه کرده و از کردستان تا دانشگاه و از ترکمن صحرا تا میدانهای تیرزندان اوین و زندانهای خوزستان و... خاک را با خون ساک زحمتکشان و انقلابیون و کمونیستها رنگین کرده است، رژیم که منافع سرمایه داری وابسته را حفظ کرده و همچنان از استعمار و غارت زحمتکشان ایران حمایت میکند.

رژیم که کارگران و زحمتکشان را استعمار میکند و مبارزاتشان را بخون میکشد، رژیم که دولت ارتجاعی و ضد خلقی عراق درگیر جنگی غیر عادلانه و برخلاف منافع زحمتکشان ایران و عراق شده است و همچون سرمایه داران عراق که در فکر توسعه طلبی و منحرف کردن ذهن توده ها از مسائل داخلی خود هستند، به صدور "انقلاب

- ★ پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، جرم: کمک به جنگزدگان و مسئول چادر امداد هواداران پیکار
- ★ پیکارگر شهید محمد اشرفی، نفتگر کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
- ★ پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
- ★ جان رفیق حسنعلی شهبازی کاندیدای مورد حمایت سازمان پیکار در انتخابات مجلس شورای و نماینده پیکارگران، در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در خطر است.

مابه خلق قهرمان ایران، در مورد تشدید سرکوب و خفقان و ترور و تیرباران انقلابیون و کمونیستها درگرمای این جنگ ارتجاعی هشدار میدهم.

میان زحمتکشان آبادان می برداخت، در روز دوم مهرازا در امداد هواداران سازمان پیکار دستگیر شد. رفیق به جرم مسئولیت حادثه برای کمک به جنگ زدگان دا شده بود، اسیر و ۲۵ روز تحت شکنجه فرا گرفت و با لاشه در روز ۲۷ سپهر توسط رژیم جمهوری اسلامی تیرباران شد. پیکارگر شهید محمد اشرفی، نفتگر کمونیست و پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست به اتفاق نیکارگر سیر حسنعلی شهبازی (کاندیدای مورد حمایت سازمان در انتخابات مجلس در آغاجاری) در روز سه شنبه ۲۹ مهر در آغاجاری دستگیر شدند. جرم آنها این بود که در روز قبل اعلامیه های سازمان پیکار در مورد جنگ در سطح وسیعی در شهر پخش شده بود! هنگامی که خا شوادهای این دلاوران بازن و بجه برای اعتراض به دستگیری آنان روانه سار پاداران میشوند، مورد ضرب و جرح پاداران سرمایه فرار میگیرند و با لاشه در روز شنبه سوم

اسلامی" و فریب توده های اندیشمند، آری چنین ریمی از کمونیستها می ترسد و در این میان در چند ماه اخیر نشان داده است که سبب از پیش از سازمان ما وحشت دارد. چرا که ما همراهدیکسر نیروهای تکبر جنش به توده ها میکوشیم که رژیم در کارخانه و مزارع و در کردستان و ترکمن صحرا چه بر سر زحمتکشان ما می آورد، در دانشگاه و زندانها ما روستفکران ما چه میکند و در جنگ ارتجاعی کنونی چه هدفی را دنبال میکند. و روابط و امیض با میریالیسم چگونه است. آری رژیم زانگای توده ها وحشت دارد و چنین است که از اعلامیه ها و نشریات کمونیستها بندهت وحشت دارد و فعلا لیت افشارانه ما را با ترور و تیرباران ما ساخ میکند.

جنایت جدید رژیم در تیرباران ۳ پیکارگر قهرمان در آبادان و آغاجاری، ادا میساست کشتا و سرکوب رژیم برای بازسازی سرمایه داری وابسته است و ما به خلق قهرمان ایران در مورد تشدید این سیاست سرکوب و خفقان و ترور و تیرباران به بیجا به جنگ غیر عادلانه کنونی هشدار میدهم.

سه پیکارگر قهرمان چرا تیرباران شدند

با شروع جنگ رفقای هوادار سازمان در خوزستان فعالانه در کمیته های امداد شرکت جستند آنها همه جا در کنار توده ها، به افشاکاری بر علیه این جنگ ارتجاعی برداخته، در ضمن از هیچ فداکاری و از جان گذشتگی به منظور کاهش مدمات جنگ برای توده ها دریغ نکردند. و تیرباران یاران دلاور ما در خوزستان نیز بخاطر همین رزمندگی و بیکار جوئی رفقای هوادار ما بوده است. پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، که مدتها بود در سنگر سازمان پیکار به فعالیت انقلابی در



پیکارگر شهید شکرالله دانشیار
متاسفانه عکس دو رفیق شهید دیگر بدست ما نرسیده است

"تنها طبقه کارگر است که از آزادی حقیقی ملیتها دفاع میکند"



یکی از وظایف مهم طبقه کارگر، بهمنسوان پیگیرترین و انقلابی ترین طبقه اجتماعی و کمونیستها، بعنوان نماندگان این طبقه انقلابی، رفع ستم ملی از خلقهای ستم دیده میهنمان (کرد، ترکمن، بلوچ، ترک و...) و تامین حق تعیین سرنوشت ملل بدست خودشان می باشد.

ستم ملی چیست و چگونه برای این خلقها ستم ملی وارد می آید؟ خلقهای تحت ستم ایران، سالیان دراز است که زیر ستم طبقاتی و ملی رژیم حاکم از حقوق حقه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود محروم بوده و تحت اشکال گوناگون زیر فشار طبقه مسلط قرار داشته و دارند.

مثلا میبینیم که مناطقی مانند کردستان و بلوچستان از نظر اقتصادی عقب مانده تر از نقاط دیگر هستند سرمایه داری در این نقاط بسیار کمتر از نقاط دیگر رشد کرده و توده ها درگیر اشکال مناسبات تولیدی عقب مانده تری هستند بورژوازی فارس از عقب مانده بودن این مناطق برای غارت بیشتر زحمتکشان آنجا استفاده کرده است از نظر رفاهی و عمرانی نیز این خلقها وضعیت بسیار بدتری از دیگر زحمتکشان محروم میهن ما دارند. بدین ترتیب ستم اقتصادی و سیاسی بر زحمتکشان این مناطقی شدید تر از دیگر مناطق بوده است.

از لحاظ فرهنگی در زمان رژیم شاه استفاده از زبان کردی در مدرسه و پوشیدن لباس محلی برای کردها ممنوع بوده و بچه های کرد مجبور بودند که در خانه به یک زبان و در مدرسه به زبان دیگری سخن بگویند. در مورد آموزگاری نیز کردها و بلوچها از حقوق برابر با فارسها محروم خورده و رنجورند. اینها نمونه هایی از مجموعه ستمگریهایی بود که توسط رژیم وابسته شاه در مورد کلبه خلقهای تحت ستم اعمال میشد و امروز از جانب رژیم جمهوری اسلامی نیز سیاست ستم گری اعمال میشود.

اما برآستی چگونه میتوان این ستم ملی را که بنا بر برتری میان ملیتها و عدم اعتماد و تفرقه میان خلقها را بدنبال دارد از میان برداشت و چه طبقه ای قادر به رفع این ستم ملی میباشد؟

ستم ملی تنها با بیکار بردن اصول دمکراسی کلاسیک از بین خواهد رفت. رفیق لنین در نوشته "طبقه کارگر و مسئله ملی" مینویسد:

"برای هیج ملتی و برای هیچ زبانی حتی یک امتیاز هم نباید قائل شد! بدون کوچکترین اجواف و بدون کوچکترین تبعیض نسبت به اقلیت ملی! اینهاست اصول دمکراسی کلاسیک"، "کارگران در برابر جهان کهنه، جهان ستم ملی، تفرقه ملی و بیمناسبتی منازعات ملی، جهان نوین و وحدت زحمت - کشان تمام ملیتها را قرار میدهند که در آن برای حتی یک امتیاز، حتی برای کوچکترین ستمگری انسان بر انسان دیگر جایی نیست."

اما چه طبقه ای متواذین اصول را بکار برد؟ آیا طبقه سرمایه داران فادراست ستم ملی را از میان بردارد؟ بدون شک خیر، بورژوازی سعی میکند در برابر خواستهای خلقهای تحت ستم در ابتدا موجودیت ملیتها را نفی کند و خواستهای خلقها را با سکوت برگزارد و هنگامیکه جنبش خلقها بالا گرفت ابتدا سرکوب جنبش و چنانچه با هم موصی به خوانند بدن جنبش نشد میگویند با دادن آزادی های ظاهری و موقتی جنبش را خاموش کنند.

شاهد این مدعاها رژیم وابسته شاه است که در برابر سرعمر ننگین و پیرنگین خود جز ستم طبقاتی و ملی علیه خلقهای تحت ستم کار دیگری نکرد. رژیم جمهوری اسلامی نیز در مدت یکسال و نیم از عمر خود بنا به ما هیت طبقاتی اش نه تنها به خواست عادلانه خلقها جواب مثبتی نداد، بلکه بعنوان سمنده دیدیم که از ابتدای برقراری جمهوری اسلامی، خلق کردی و زحمتکشان - ای سرکوب شد و خلقهای بیچاره خواسته جواب خواستهای عادلانه خود را با بمباران شهری و ده گرفتند. بعلاوه دیدیم انقلابیونی که همراه با خلق کردی علیه ارتجاع مبارزه کردند و میکنند بطرز بیچاره ای تحت ننگچه بین سفاکان قرار گرفته و با به جوخه عدا مسیر شده اند.

خرده بورژوازی هم بنا به ما هیت و ترلزات طبقا تبش نمی تواند جوابگوی رفع ستم ملی با خود در مورد خلق کردیم میبینیم که نتوانی خود را در جوابگوئی به خواستهای خلقی کردنشان داده و همه جا همدا و همگام با بورژوازی به سرکوب جنبش خلقها برداخته است.

تنها این طبقه کارگر است که به علت انقلابی و پیگیر بودن خود در مبارزه بر علیه امپریالیسم و طبقه حاکم و ستم ملی میتواند این امر مهم را بعنوان یکی از وظایف اساسی خود انجام دهد. در شوری بعد از انقلاب کبیرا اکثر دیدیم که چگونه طبقه کارگر برهبری حزب بلسوک توانست به خلقهای تحت ستم آزادی و برابری بدهد و در چین نیز خلقهای تحت ستم برهبری حزب کمونیست چین توانستند به حقوق واقعی خود دست یابند.

آنچه برای طبقه کارگر و کمونیستها در رابطه با خلقها بسیار مهم و ضروریست جلب اعتماد خلقها به خود می باشد. بورژوازی با تبلیغات شوبینیستی خود میسکودس خلقها با فساد و وحدت میان آنها را از بین برد تا بدین ترتیب بتواند حاکمیت ارتجاعی خود را مستحکمتر نماید. طبقه کارگر و کمونیستها با سرکوب مستقیم در مبارزات نموده ای خلقها برای حقوق خواسته ها یمان و ارتقا سطح این مبارزات و تبلیغ همسنگی میان خلقها و کارگران کلبه ملل و بالاخره با مدعا و بستبانی از مبارزات خلقهای ستم دیده و وظیفه خود را درقبال خلقها انجام میدهد.

این دفاع شوبینیستی به چه معناست؟ همانطور که رفیق استالین در "مسائل لنینیسم" میگوید "معنای این آن نیست که سرولنا ربا با بد با هر ستم نهضت ملی یعنی در همه جا و همیشه و در تمام موازین بخصوص کمک نماسد.

سخت ما در اینجا در با مساعدت بدجنسان نهمنهای ملی است که باعث ضعف و سرنگونی امپریالیسم نموده است که سبب استحکام و افسای آن گردد."

بر اساس کمونیستها از نهضت خلقی کرد نسبتبایی میکنند چرا که این نهضت بر ارکان ارتجاع و امپریالیسم ضربه وارد میسازد.

طبقه کارگر و کمونیستها در عین حال که با شرکت و بستبانی خود به خلقهای تحت ستم در مبارزه شان کمک میکنند، با هرگونه تحریف یا سونالستی که بخواد جنبش خلقهای تحت ستم را از جنبش عمومی خلقهای کشور بر علیه ارتجاع و امپریالیسم جدا کند و طبعاً این جنبش را به تکست بکشد، مبارزه میکنند و به خلقها می آموزند که مبارزه آنها جزء جدائی نا پذیر انقلاب دموکراتیک و فدا میریالیستی برهبری طبقه کارگر می باشد. تنها در صورت پیروزی طبقه کارگر بر این است که خلقهای سراسر ایران آزاد میسوند. و به این ترتیب به خلقها با ستمسودگهان سرولنا ربا و "فلسط سرولنا ربا ستم که از آزادی حقیقی ملتها و از وحدت کارگران کلبه ملل دفاع میکند."



پیکار

ادامه از شماره قبل
سازشماره قبل اطلاعیه وحدت
گروه انقلابیون آزادی طبقه
کارگزاران آنجا درج نمودیم که
مرکزیت گروه برای جمع بندی و
تعیین سیاست آینده، کنگره را
فراموش خواند. این کنگره در سه
زمینه زیر به بحث میپردازد:



گروه را در جهت جشن وحدتی تعیین نمودند. از آنجا که حرکت گروه گرا یا نه ما در جهت حفظ شکل و حرکت مستقل و در یک کلام مصلحت - کراسی تشکیلاتی مورد نقد و توجیه قرار گرفته بود و حرکت همه نیروها در راستای تدارک اتحاد حزب مشخص شده بود، کنگره صریحا اعلام داشت که دیدگاه ما در حرکت وحدت طلبانه رفقای بیگانه، نه تقویت صرف یک تشکیلات، بلکه تقویت اصولی - ترین جریان ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی است. (به نظر ما موضع گیری انقلابی رفقا در جنگ ایران و عراق نشانه دیگری از اولویت دستاوردهای جدیدان و صاحبان انتخاب ما بوده است)

بدین ترتیب کنگره، کمیسیون مشخصی را برای وحدت انتخاب نمود. پس از آنجا که کنگره گروه و رفقای بیگانه را روشن کردن موارد اختلافات جزئی و تعیین جایگاه آنان و سپس از وحدت نظر بر روی اساسنامه زمان، در محیطی آکنده از روحیه تفاهت همواره عمقا در فضا نهاده، وحدت تشکیلاتی را به سرانجام رساندند.

مختصری از ابعاد فعالیت گروه

به رغم اشتقاقات و اردبیه مجموعه حرکت گذشته، با پدید آمدن دستاوردهای فعالیت خستگی - ناپذیر رفقای گروه تا میسر آمد. بعد از این فعالیت نشان میداد که چگونه خردگاری، چنین پتانسیل مبارزاتی ارزشمندی را به بند کشیده است.

حیطه های فعالیت گروه در کارخانجات، جنبش بیگانه، جنبش دانش آموزی، جنبش دهقانی و مناطقی بوده است - کارگری بوده است. فعالیت گروه: کیلان، آذربایجان، قزوین، ساوجبلاغ، کرچ و تهران را در بر میگیرد. است.

در تهران علاوه بر شرکت فعال در رهبری جنبش های اعتراضی بیگانه، مصادره خانه، دهکده داران و کار در محلات و کارخانجات، رفقای گروه نقش فعالی در رهبری حرکت های عظیم اعتراضی چندکارخانه داشته اند تجربیات ارزشمندی در این رابطه بدست آمده که گروه نتوانست به جنبش ارائه دهد.

رفقای گروه در رهبری یکی از جنبش های معروف بیگانه ایران نقش تعیین کننده ای داشتند. این جنبش دستاوردهای مهمی در زمینه بیوندکارگران شاهرخ و بیگانه روپینودند انجام دادند و در این آموزان با جنبش کارگری داشته است. تجربیات حاصله در این مورد، چه در رابطه با رهبری جنبش بوده است، چه در رابطه با فعالیت های سندیکایی و چه در رابطه با خود جنبش کارگران بیگانه، بسیار آموزگارانه و بسیار سودمند است لیکن در این مورد هم نتوانستیم بین تجربیات را به حدی انتقال دهیم.

در جهت سرنگونی آن میباشد.

۴ - الف: اعتقاد به اینکه ساختار اقتصادی کنونی جامعه سرمایه داری وایسناست

ب: انقلاب ایران در این مرحله دموکراتیک و فدا میربا لیبستی منافع با اول انقلاب سوسیالیستی است.

ج: سرولتاریا نیروی عمده و اساسی انقلاب بوده و بورژوازی بعنوان یک طبقه ارتجاعی است.

۵ - ردمسی آوانتوریستی حریکی، به منافع بینشی که ضرورت حزب و همزبونی پرولتاریا را نفی میکند

۶ - در زمینه برخورد به گذشته، کنگره اکنون میسر (سی برابری و حرکت خودسختی) را انحراف گروه تشخیص داد. در خصوص تفکرات کنگره و دجارتوری بوده است و بخصوص در مبارزه ایدئولوژیک به منافع عرصه مهمی از مبارزه طبقاتی دحارکمانی بوده است. کنگره حرکت مستقل گذشته را مورد نقد قرار داده و اشتقاقیت ایدئولوژیک سیاسی اروپایی نمود.

رفقای کنگره با به زیر انتقاد کشیدن مفسران خردگاران نه فعالیت گذشته، وحدت و مبارزه در جهت وحدت را وظیفه محوری گروه تعیین نمودند.

۷ - در زمینه جشن انداز آینده، گروه به بررسی وحدت نظر خود با نیروهای سیاسی پرداخت. از آنجا که ما در ارتباطات پراکنده تا حدی در جریان مبارزه ایدئولوژیک درونی سازمان بیگانه بودیم، همچنین با اطلاع از نتایج کنگره رفقا، دربار فتم که کنگره با برخورد به انحرافات راستروانه گذشته سازمان، به دستاوردهای نوینی رسیده است، کنگره ما متفق القول دستاوردهای کنگره در مبارزه با انحرافات گذشته، مواضع سیاسی و وظایف آینده را مثبت و درخشان ارزیابی نمود. انطباق بسیار نزدیک مواضع ما و دستاوردهای سازمان بیگانه از یک طرف و مبارزه اصولی این رفقا در جهت برخورد به گذشته و ارتقاء جنبش کمونیستی از طرف دیگر، سبب گردید که کنگره، وحدت سریع و سلاطین کار با سازمان بیگانه در دستور کار قرار دهد. همگی رفقا بصورت این جریان ایدئولوژیک را وظیفه نیروهای راستین کمونیستی دانسته و حرکت آینده

ای کنگره با بررسی موضعیت عینی جنبش کمونیستی، شفتت و پراکندگی را عارضه دوران پیش از حزب تلقی نمود و مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر و وظیفه مبرم کمونیستها دانست. در این راستا است که وحدت هر چه بیشتر صفوف کمونیستها گام محوری در پیکار سوسیالیستی ضروری است دوران تدارک حزب خواهد بود. از همین رو نیروهای که در اصول برنامه ای (صیانتی وحدت) وحدت نظر دارند، با پدید آمدن در جهت وحدت تشکیلاتی خویش گام بردارند. در غیر این صورت مبارزه ایدئولوژیک حول اصول برنامه ای و بخصوص بر علیه تزلزلات رویزیونیستی پیش شرط ضروری برای تحقق وحدت صفوف کمونیستها با یدتلاقی گردد. و به عنوان وظیفه ای محوری در دستور کار قرار گیرد.

بر این اساس کنگره معیار وحدت زیر را بر با به مرز بندی با دودیدگاه تعیین نمود. نخست مرز بندی با دیدگاه های ائتلافی که صرفا وحدت تشکیلاتی را مورد نظر قرار میدهند و مرز بندی با دیدگاه های سکتاریستی و وحدت مطلق که سطح رشد جنبش را نادیده میگیرند بنا بر این معیارها مبتنی بر دستاوردهای جنبش کمونیستی و مرز بندی با انحرافات رویزیونیستی و تروتسکیستی مشخص گردید:

۱- مرز بندی قاطع علیه رویزیونیسم و دیگر انحرافات ایدئولوژیک با اعتقاد به اینکه:

الف: غلبه رویزیونیسم خروشجویی بر حزب و دولت شوروی، در سیاست به سرنگونی دیکتاتوری پرولتاریا و حاکمیت دیکتاتوری بورژوازی و در اقتصاد به ایسارمایداری منجر گردید، لذا کشور شوروی سوسیالیستی به روسیه سوسیالیست امپریالیستی تبدیل گشته است.

ب: تز "سه جهان" ارتجاعی و رویزیونیستی است با اعتقاد به اینکه رویزیونیسم بر حزب و دولت چین غلبه یافته است و بواسطه آن حاکمیت بورژوازی برجین چیر گشته است.

ج: تروتسکیسم خطری است جدی برای جنبش کمونیستی ایران

۲- اعتقاد به ایجاد حزب طبقه کارگر به عنوان محوری ترین و مبرم ترین وظیفه کمونیستها

۳- اعتقاد به اینکه رژیم جمهوری اصلاحی، ارتجاعی بوده و مبارزات انقلابی کمونیستها

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

←
- رسای گروه - سس دهقانی - مادر ه
زمن و سکل شورای دهقانی شرکت فعال
دا سند .

- گروه در منطقه "سا و جلاخ" علاوه بر فعالیت
در میان کارگران، تشکل دانش آموزان مبارزو
بدنیال آن تشکیلات هوادار سازمان داد .

این رفقا در پیوند جنبش دانش آموزی با حمت
کشان فعالیت گسترده و خستگی ناپذیری داشتند

- در رشت و چند منطقه دیگر گیلان و همچنین
تبریز، رفقای گروه پیوند گسترده ای با
زحمتکشان ایجاد کرده بودند

- در مورد نشریات، علاوه بر برخی نشریات
فابریک، گروه کارگری "صدای انقلاب" و نشریه
دانش آموزی "صدای انقلاب" را منتشر می نمود .

رفقا، زمندگان کمونیست!

در شرایط حساس کنونی، جمع بندی عملکرد
گذشته ما، برخورد به ضعفها و انحرافات ما، فاسد
سلامت حرکت آینده ما است. جنبش کمونیستی راهی
کوتاه بیموده است و راهی دراز در پیش دارد .
گذشته را با بدتوشه آینه ها زیم .

تشکل ما سمن به بخش کوچکی از بیکر جنبش
کمونیستی ایران، حرکت گذشته خویش را در تشدید
براکندگی جنبش، مورد انتقاد قرار میدهد .

عدم حرکت فعال ما در مبارزه برای تقویت
وحدت هر چه بیشتر صفوف کمونیستها و تکیه بر
حرکت مستقل، نه در خدمت پرولتاریا، بلکه
در جهت خرده کاری و پراکندگی بوده است امروز

مقایسه آنچه کرده ایم و آنچه می توانستیم انجام
دهیم را بر آن میداریم روح عدم رضایت از
خرده کاری را که با تمام وجود احساس میکنیم با

صدای رسا اعلام داریم .

امروز اگر چه درک ضرورت وحدت و مبارزه
بخاطر آن عمیق تر گشته است، اما بیان تجربه
ما میتوانیم انداختن برای آن نیروها بی کسه
عزیز غمناک شدن مرز بندی اساسی در جدائی
خویش میکنند، موشربا شد .

آنچه در تحلیل نهایی، چنین انحرافی را در
ما سبب گردید، عدم درک ما از وظایف تاریخی -
مان بود، ما بجای آنکه بر اساس وظایف و
مشکلات کل جنبش کمونیستی حرکت کنیم، مصالح
و مشکلات تشکیلات خویش را مبنای حرکت قرار
میدادیم، تصمیم دادن برخی موفقیتها در عرصه -

های محدود از پراکنش، ما را به محدود نگری سوق
میداد، و ابغاً دوسیع وظایف سنگین کمونیستها
را نادیده می گرفتیم .

از آنجا که حرکت ما نتوانست بطور هدفمند
در راستای پاسخگویی به اساسی ترین ضرورت
جنبش باشد، از آنجا که نتوانستیم هر حرکت خویش
را در جهت تدارک ایجاد حزب، آگاهانه مشخص
نماییم، نیروهای خویش را در چهار چوب تنسگ
خرده کاری به بند کشیدیم، فعالیت رفقای ما
عسر غمناک می تلاش خستگی ناپذیران به سبب

آنکه مبتنی بر قانونمندی و ضروریات جنبش
نشود، نتوانست در جهت ارتقاء جنبش کمونیستی
آنگونه که باید موشربا شد .

رفقا، حرکت خود بخودی غالب بر گروه ما
و عدم حرکت از ضروریات کل جنبش کمونیستی،
تنها به تشکل ما محدود نشده است، امروز اگر چه
درک وحدت صفوف کمونیستها و حرکت بسوی وحدت
عمیق تر گشته است و تلاشهای موری در این جهت
صورت پذیرفته است اما همچنان جنبش از حرکتی
نقشه مند در جهت ضروریات دوران تدارک ایجاد
حزب محروم میماند، اینک دیگر زمان آن نیست
که با بیان ضرورت اکتفا نما شیم با دعا عملی
برداشت .

اولا نیروهای که در اصول برنا مه ای خود
مرز بندی اساسی ندارند باید فعلاً نه در جهت
وحدت تشکیلاتی خویش اقدام نمایند، هر گونه
تعطل بهر بهانه و توجیهی محکوم به شکست خواهد
بود .

ثانیا همه نیروهای کمونیستی باید با
تدقیق خطوط اختلاف خویش مبارزه آید ثلوثیک
فعال را بطور هدفمند حول اصول برنا مه ای
سازمان دهند، مبارزه آید ثلوثیک را با یید
بین از پیش از حالت خود بخودی خارج کرده
شکل نقشه مند و متمرکز انجام داد .

ما با چنین درکی از وحدت و اعتقاد به
ایجاد حزب طبقه کارگر نسبتاً به فوری ترین و
محوری ترین وظیفه کمونیستها بسوی وحدت کام
برداشته ایم، از دیدگاه ما، وحدت ما و رفقای
بیکار حلقه ای از وحدت صفوف کمونیستها و گامی
کوچک در جهت تدارک ضروریات ایجاد حزب می -
باشد .

ثانیا همه نیروهای کمونیستی باید با
تدقیق خطوط اختلاف خویش مبارزه آید ثلوثیک
فعال را بطور هدفمند حول اصول برنا مه ای
سازمان دهند، مبارزه آید ثلوثیک را با یید
بین از پیش از حالت خود بخودی خارج کرده
شکل نقشه مند و متمرکز انجام داد .

ما با چنین درکی از وحدت و اعتقاد به
ایجاد حزب طبقه کارگر نسبتاً به فوری ترین و
محوری ترین وظیفه کمونیستها بسوی وحدت کام
برداشته ایم، از دیدگاه ما، وحدت ما و رفقای
بیکار حلقه ای از وحدت صفوف کمونیستها و گامی
کوچک در جهت تدارک ضروریات ایجاد حزب می -
باشد .

ثانیا همه نیروهای کمونیستی باید با
تدقیق خطوط اختلاف خویش مبارزه آید ثلوثیک
فعال را بطور هدفمند حول اصول برنا مه ای
سازمان دهند، مبارزه آید ثلوثیک را با یید
بین از پیش از حالت خود بخودی خارج کرده
شکل نقشه مند و متمرکز انجام داد .

ما با چنین درکی از وحدت و اعتقاد به
ایجاد حزب طبقه کارگر نسبتاً به فوری ترین و
محوری ترین وظیفه کمونیستها بسوی وحدت کام
برداشته ایم، از دیدگاه ما، وحدت ما و رفقای
بیکار حلقه ای از وحدت صفوف کمونیستها و گامی
کوچک در جهت تدارک ضروریات ایجاد حزب می -
باشد .

ثانیا همه نیروهای کمونیستی باید با
تدقیق خطوط اختلاف خویش مبارزه آید ثلوثیک
فعال را بطور هدفمند حول اصول برنا مه ای
سازمان دهند، مبارزه آید ثلوثیک را با یید
بین از پیش از حالت خود بخودی خارج کرده
شکل نقشه مند و متمرکز انجام داد .

ما با چنین درکی از وحدت و اعتقاد به
ایجاد حزب طبقه کارگر نسبتاً به فوری ترین و
محوری ترین وظیفه کمونیستها بسوی وحدت کام
برداشته ایم، از دیدگاه ما، وحدت ما و رفقای
بیکار حلقه ای از وحدت صفوف کمونیستها و گامی
کوچک در جهت تدارک ضروریات ایجاد حزب می -
باشد .

رفقا!

در مقابل جنبش کمونیستی ایران وظایف
سنگینی و تاریخی قرار دارد، امروز اگر چه غلبه
رویزونیسم بر نهضت کارگری جهان مضموف
جنبش کمونیستی جهان را دچار تشنگی و پراکندگی
گردانیده است، امروز اگر چه با بگا ههای نیرو -
مند و رویزونیسم و کارگران مستقیم و غیر -
مستقیمشان هر جنبش نوپای کمونیستی را مورد
تهاجم آید ثلوثیک قرار میدهند، امروز اگر چه
جنبش کمونیستی جوان ما با بدوش کشیدن عوارض
انحرافات گذشته ناشی از سلطه رویزونیسم،
مراحل اولیه خویش را میگذرانند، اما ما
بحران کنونی جهان امپریالیستی رشد و
گسترش اوضاع انقلابی را نوید میده و در این
میان، حدت یابی تفاذهای جامعه و رونق
رو به رشد مبارزه طبقاتی، موقعیت خاص و
جسته ای به کشور ما و جنبش توده ای آن و بویژه
پرولتاریای ایران میدهد، موقعیت و جایگاهی
که چشم انداز سرخ با نکوهی را نوید میدهد، چشم -
اندازی که مبارزه ای بی آمان را ازمایم طلبد .
آری، برای غلبه بر ضعفها و نارسائیهای
خویش برای متحد و متشکل گردانیدن پیروان
طبقه کارگر در جزیی نیرومند، برای بالابردن

صوف خوش از فرمسم و تزلزلات رویزونیستی،
برای مبارزه ای آمان سر علیه رویزونیسم
جها نی، برای برافراشتن بر جم ظفر نم -
ما رگسیم - لنینیم برای تحقق هژمونی
پرولتاریا بر جنبش دموکراتیک خدامیرالیستی
توده ها، برای تقویت و استحکام شترنا سیونال
- اسپرولتری، ...، یک دنیا کار لازم است .

س، دست بکار شویم رفقا! وظایف آینده
و جسم انداز نوید بخش آن، مبارزه ای بی آمان
و خستگی ناپذیر را ازمایم طلبد، نکوشیم
سایستکی رسالنی را که تا ریخ بردوش ما
گذارده است دستهایم .

نکوشیم حرکات هدفمند خویش را در راستای
ایجاد حزبی رزمنده که ادا مدهنده بلشویسم
سازمان دهیم بکوشیم همیشه مصالح دراز -
مدت و آرمانهای کبیر پرولتاریا را فراتر از هر
حزف را دهیم .

پیش بسوی مبارزه آید ثلوثیک بیکیرو
هدفمند برای سلامت و وحدت جنبش کمونیستی!
پیش بسوی وحدت صفوف کمونیستها!
پیش بسوی پاسخگویی به
جنبش اعتلا یا بنده طبقه کارگر توده ها!
پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!
"انقلابیون آزادی طبقه کارگر"

نکوشیم حرکات هدفمند خویش را در راستای
ایجاد حزبی رزمنده که ادا مدهنده بلشویسم
سازمان دهیم بکوشیم همیشه مصالح دراز -
مدت و آرمانهای کبیر پرولتاریا را فراتر از هر
حزف را دهیم .

پیش بسوی مبارزه آید ثلوثیک بیکیرو
هدفمند برای سلامت و وحدت جنبش کمونیستی!
پیش بسوی وحدت صفوف کمونیستها!
پیش بسوی پاسخگویی به
جنبش اعتلا یا بنده طبقه کارگر توده ها!
پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!
"انقلابیون آزادی طبقه کارگر"

نکوشیم حرکات هدفمند خویش را در راستای
ایجاد حزبی رزمنده که ادا مدهنده بلشویسم
سازمان دهیم بکوشیم همیشه مصالح دراز -
مدت و آرمانهای کبیر پرولتاریا را فراتر از هر
حزف را دهیم .

پیش بسوی مبارزه آید ثلوثیک بیکیرو
هدفمند برای سلامت و وحدت جنبش کمونیستی!
پیش بسوی وحدت صفوف کمونیستها!
پیش بسوی پاسخگویی به
جنبش اعتلا یا بنده طبقه کارگر توده ها!
پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!
"انقلابیون آزادی طبقه کارگر"

نکوشیم حرکات هدفمند خویش را در راستای
ایجاد حزبی رزمنده که ادا مدهنده بلشویسم
سازمان دهیم بکوشیم همیشه مصالح دراز -
مدت و آرمانهای کبیر پرولتاریا را فراتر از هر
حزف را دهیم .

۵۹/۷/۱۰

بقیه از صفحه ۱۲ وظایف ...

زیر کمیته دارای قابلیت های سیاسی و تبلیغی
بوده و با ذوق و خلاق باشند .

ب - کمیته ادا متشکل از رفقای خواهی بود
که قدرت ارتباط گیری توده ای و توانائی
رهبری و سازماندهی رفقای زیر کمیته را داشته
باشند، در این کمیته رفقای که توانائی های
منحصی در زمینه های پزشکی و ... دارند، سازمان -
دهی میکنند .

ج - کمیته تشکیلات - ویژگی این کمیته در قدرت
سازماندهی توده ای، هدایت تشکیلاتی و قدرت
رهبری مبارزات توده ای آنست .

د - کمیته هماهنگی متشکل از ارشدهای کمیته
- هماهنگی شده در صورت لزوم با بستی یکی از
رفقای با تجربه تشکیلاتی در هدایت جمع شرکت
نمایند، این کمیته هملاً نظور که گفتیم نقش رهبری
و هدایت عمومی کمیته ها را داراست و خطوط اساسی
فعالیت کمیته ها را بدست آورد .

چند نکته مهم:

۱ - در تماس گیری با آوارگان و سازماندهی
آنان با بستی استخوان بندی کارما سازماندهی
توده های زحمتکش و کارگردر میان آوارگان (در
عین چند نکردن کامل صفوف آنان از بقیه آوارگان)
تشکیل میدهد، سدی بی است شرط مهم را دیکالز
کردن مبارزات آنان نیز همین است .

۲ - از کلیه رفقا خواسته شود که در اجرای طرح
فوق، برخوردی خلاق و منطبق با شرایط منطقه
نموده و در ارتقاء آن بکوشند و در همین رابطه
تجارب حاصله را برای ما ارسال دارند .

بیروز با شیدا

پیکار

ادامه از شماره قبل

سادشماره قبل اطلاعیه وحدت گروه انقلابیون آزادی طبقه کارگران اتحاد را نمودیم که مرکزیت گروه برای جمع بندی و تعیین سیاست آینده، کنگره را فرا می خواند. این کنگره در سه زمینه زیر به بحث می پردازد:



اطلاعیه وحدت با گروه انقلابیون آزادی طبقه کارگر

گروه را در جهت جنبش وحدتی تعیین نمودند. از آنجا که حرکت گروه گرایانه ما در جهت حفظ بسکال و حرکت مستقل و در یک کلام مصلحت - کراسی تشکیلاتی مورد نقد و بی اعتباری قرار گرفته بود و حرکت همه نیروها در راستای تدارک اتحاد حزب منحصی شده بود، کنگره صریحا اعلام داشت که دیدگاه ما در حرکت وحدت طلبانه رفقای پیکار، نه تقویت صرف یک تشکیلات، بلکه تقویت اصولی - ترس جریان ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی است. (به نظر ما موضع گیری انقلابی رفقا در جنگ ایران و عراق نشانه دیگری از اصولیت دستاوردهای جدیدشان و وحدت انتخاب ما بوده است)

سندین ترتیب کنگره، کمیسیون منحصی را برای وحدت انتخاب نمود، پس از تمام کنگره گروه و رفقای بیگانه پس از روشن کردن مسواری اختلافات جزئی و تعیین جایگاه آنان و بیس از وحدت نظر بر روی اساسنامه زمان، در محیطی آکنده از روحیه تفاهت و اعتماد در قیامت، امر وحدت تشکیلاتی را به سرانجام رساندند.

مختصری از ابعاد فعالیت گروه

به رغم نتایج و تدارکات و اردیه مجموعه حرکت گذشته، با پدید آمدن دستاوردهای فعالیت خستگی - ناپذیر رفقای گروه نامرسد، ابعاد این فعالیت نشان میدهد که چگونه خرده کاری، چنین پتانسیل مبارزاتی ارزشمندی را به بند کشیده است.

حیطه های فعالیت گروه در کارخانجات، جنبش بیگانه، جنبش دانش آموزی، جنبش دهقانی و مناطق نودهای - کارگری بوده است. دامنه فعالیت گروه: کیلان، آذربایجان، قزوین، ساوجبلاغ، کرچ و تهران را در بر می گرفت است.

- در تهران علاوه بر شرکت فعال در رهبری جنبش های اعتراضی بیگانه، معادریخانه، دهک، داران و کار در محلات و کارخانجات، رفقای گروه نقش فعالی در رهبری حرکت های عظیم اعتراضی چندکارخانجات تجربه ای ارزشمندی در این رابطه بدست آمده که گروه نتوانست بیس جنبش را تهدد.

- رفقای گروه در رهبری یکی از جنبش های معروف بیگانه ایران نقش تعیین کننده ای داشتند، این جنبش دستاوردهای مهمی در زمینه بیوند کارگران شافل و بیگانه رویبونداننجو - یان و دانش آموزان با جنبش کارگری داشته است. تجربیات حاصله در این مورد، چه در رابطه با رهبری جنبش بوده ای، چه در رابطه با فعالیت بیگانه، سندیکائی و چه در رابطه با خود جنبش کارگران بیگانه، بسیار گرانمایا بوده است لیکن در این مورد هم نتوانستیم این تجربیات را به جس انتقال دهیم.

در جهت سرنگونی آن می باشد.

۲ - الف: اعتقاد به اینکه ساختار اقتصادی کنونی جامعه ما سرمایه داری وابسته است

ب: انقلاب ایران در این مرحله دموکراتیک و فدا میربا لیستی نمائند از اول انقلاب سوسیالیستی است.

ج: پرولتاریا نیروی عمده و اساسی انقلاب بوده و پرولتاریا بعنوان یک طبقه ارتجاعی است.

۵ - ردمشی آوانتوریستی جریکی، به مناسبت بینشی که ضرورت حزب و همزونی پرولتاریا را نفی میکند

۲ - در زمینه برخورد به گذشته، کنگره اکونومیسم (سی برنامگی و حرکت خود بخودی) را انحراف گروه تشخیص داد. در عرصه وظایف ثنوریک، گروه دجا را سترویی بوده است و بخصوص در مبارزه ایدئولوژیک به مناسبت عرصه مهمی از مبارزه طبقاتی دجا رکمانی بوده است. کنگره حرکت مستقل گذشته را مورد نقد قرار داد و آنرا فاقد حقانیت ایدئولوژیک سیاسی آریایی نمود.

رفقای کنگره با به زیر انتقاد کشیدن مضمون خرده کاری، نه فعالیت گذشته، وحدت و مبارزه در جهت وحدت را وظیفه محوری گروه تعیین نمودند.

۴ - در زمینه چشم انداز آینده، گروه به بررسی وحدت نظر خود با نیروهای سیاسی برداخت، از آنجا که ما در ارتباطات پراکنده تا حدی در جریان مبارزه ایدئولوژیک درونی سازمان بیگانه بودیم، و همچنین با اطلاع از نتایج کنگره رفقا، در با فحتم که کنگره با برخورد به انحرافات راستروانه گذشته ما زمان، به دستاوردهای نوینی رسیده است، کنگره ما متفق القول دستاوردهای کنگره رفقا در برخورد به انحرافات گذشته، مواضع سیاسی و وظایف آینده را مثبت و درخشان ارزیابی نمود. انطباق بسیار نزدیک مواضع ما و دستاوردهای سازمان بیگانه از یک طرف و مبارزه اصولی این رفقا در جهت برخورد به گذشته و ارتقا جنبش کمونیستی از طرف دیگر، سبب گردید که کنگره، وحدت سریع و سلاطین را با سازمان بیگانه در دستور کار قرار دهد. همگی رفقا تقویت این جریان ایدئولوژیک را وظیفه نیروهای راستین کمونیستی دانسته و حرکت آینده

انگروه با بررسی موضعیت عینی جنبش کمونیستی، دست و پراکنندگی را عارضه دوران پیش از حزب تلقی نمود و مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر و وظیفه میرم کمونیست نهاد است. در این راستا است که وحدت هر چه بیشتر مضمون کمونیستها کامموشری در با سکویی - ضروریات دوران تدارک حزب خواهد بود. از همین رو نیروهای که در اصول برنامه ای (مبانی وحدت) وحدت نظر دارند، با پدید آمدن در جهت وحدت تشکیلاتی خویش کامم بردارند. در غیبر اینصورت مبارزه ایدئولوژیک حول اصول برنامه - ای و بخصوص بر علیه تزلزلات رویزیونیستی بیس شرط ضروری برای تحقق وحدت مضمون کمونیستها با پیدلتقی گردد. و به عنوان وظیفه - ای محوری در دستور کار قرار گیرد.

بر این اساس کنگره معیار وحدت زیر را بر پایه مرز بندی با دیدگاه تعیین نمود. نخست مرز بندی با دیدگاه های ائتلافی که صرفا وحدت تشکیلاتی را مورد نظر قرار میدهد و مرز بندی با دیدگاه های سکتاریستی و وحدت مطلق که سطح رشد جنس را تا دیده میگیرد بنا بر این معیارها مبتنی بر دستاوردهای جنبش کمونیستی و مرز بندی با انحرافات رویزیونیستی و تروتسکیستی مشخص گردید:

- ۱- مرز بندی فاطح علیه رویزیونیسم و دیگر انحرافات ایدئولوژیک با اعتقاد به اینکه:
- الف: غلبه رویزیونیسم خروشچی بر حزب و دولت شوروی، در سیاست به سرنگونی دیکتاتوری پرولتاریا و حاکمیت دیکتاتوری پرولتاریا و در اقتصاد به احیای سرمایه داری منجر گردید، لذا کشور شوروی سوسیالیستی به روسیه سوسیالی امپریالیستی تبدیل گشته است.
- ب: تز "سه جیان" ارتجاعی و رویزیونیستی است یا اعتقاد به اینکه رویزیونیسم بر حزب و دولت چین غلبه یافته است و بواسطه آن حاکمیت پرولتاریا بر چین چیره گشته است.
- ج: تروتسکیسم خطری است جدی برای جنبش کمونیستی ایران
- ۲- اعتقاد به ایجاد حزب طبقه کارگر به عنوان محوری ترین و میرم ترین وظیفه کمونیستها
- ۳- اعتقاد به اینکه رژیم جمهوری اسلامی، ارتجاعی بوده و مبارزات انقلابی کمونیستها

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

← رسای گروه - سپس دهقانی معاد ره
رمن و نسکیل شورای دهقانی شرکت فعال
دا سندن .

گروه در منطقه "سا و جیلان" علاوه بر فعالیت
در میان کارگران، تشکل دانش آموزان مبارزو
بدنیال آن تشکیلات هوادار را سازمان داد .
این رفقا در پیوند جنبش دانش آموزی با زحمت
کشان فعالیت گسترده و خستگی ناپذیری داشتند
- در رشت و چند منطقه دیگر گیلان و همچنین
تبریز، رفقای گروه پیوند گسترده ای با
زحمتکشان ایجاد کرده بودند
- در مورد نشریات، علاوه بر برخی نشریات
فابریک، گروه کارگری "صدای انقلاب" و نشریه
دانش آموزی "ندای انقلاب" را منتشر می نمود .

رفقا! رزمندگان کمونیست!

در شرایط حساس کنونی، جمع بندی عملکرد
گذشته ما، برخورد به ضعفها و انحرافات ما، فاسد
سلامت حرکت آینده ما است. جنبش کمونیستی راهی
کوتاه بیموده است و راهی دراز در پیش دارد .
گذشته را باید توشه آینه ها زیم .
تشکل ما بمثل به بخش کوچکی از بیکر جنبش
کمونیستی ایران، حرکت گذشته خویش را در تشدید
بر اکنندگی جنبش، مورد انتقاد قرار میدهد .
عدم حرکت فعال ما در مبارزه برای تقویت
وحدت هر چه بیشتر صفوف کمونیستها و تاکید بر
حرکت مستقل، نه در خدمت پرولتاریا، بلکه
در جهت خرده کاری و پراکنندگی بوده است امروز
مقایمه آنچه کرده ایم آنچه می توانستیم انجام
دهیم ما را بر آن میدارد تا روح عدم رضایت از
خرده کاری را که با شما موجودا حساس میکنیم با
صدای رسا اعلام داریم .

امروز اگر چه درک ضرورت وحدت و مبارزه
بخاطر آن عمیق تر گشته است، اما بیان تجربه
ما میتواند حداقل برای آن نیروها بی گناه
غیر غمناک شدن مرز بندی اساسی در جدائی
خویش میکوشند، موثر باشد .

آنچه در تحلیل شما بی، چنین انحرافی را در
ما سبب گردید، عدم درک ما از وظایف تاریخی -
مان بود، ما بجای آنکه بر اساس وظایف و
مشکلات کل جنبش کمونیستی حرکت کنیم، مصالح
و مشکلات تشکیلات خویش را مبنای حرکت قرار
میدادیم، تعمیم دادن برخی موفقیتها در عرصه -
های محدود از پراکنش، ما را به محدودنگری سوق
میداد. و ابغاد وسیع وظایف سنگین کمونیستها
را نادیده میگردانیم .

از آنجا که حرکت ما نتوانست بطور هدفمند
در راستای پاسخگویی به اساسی ترین ضرورت
جنبش باشد، از آنجا که نتوانستیم هر حرکت خویش
را در جهت تدارک ایجاد حزب، آگاهانه مشخص
نماییم، نیروهای خویش را در چهار چوب تشنگ
خرده کاری به بند کشیدیم، فعالیت رفقای ما
غیر غمناک می تلافی خستگی ناپذیران به سبب

آنکه مبتنی بر قانونمندی و ضروریات جنبش
سود، نتوانست در جهت ارتقاء حنس کمونیستی
آنگونه که باید موری باشد .

رفقا، حرکت خود بخودی غالب بر گروه ما
و عدم حرکت از ضروریات کل حنس کمونیستی،
سناها به تشکل ما محدود نشده است. امروز اگر چه
درک وحدت صفوف کمونیستها و حرکت بسوی وحدت
عمیق تر گشته است و تلاشهای موری در این جهت
صورت پذیرفته است اما همچنان حنس از حرکتی
نقشه مند در جهت ضروریات دوران تدارک ایجاد
حزب محروم میباشد. اینک دیگر زمان آن نیست
که با بیان ضرورت اکتفا شما به یادگام عملی
برداشت .

اولا نیروهای که در اصول برنا مه ای خود
مرز بندی اساسی ندارند باید فعلا لانه در جهت
وحدت تشکیلاتی خویش اقدام نمایند. هرگونه
تعطل بهر بهانه و توجیهی محکوم به شکست خواهد
بود .

ثانیا همه نیروهای کمونیستی باید با
تدقیق خطوط اختلاف خویش مبارزه آید ثلوزیک
فعال را بطور هدفمند حول اصول برنا مه ای
سازمان دهند. مبارزه آید ثلوزیک را باید
بیان از پیش از حالت خود بخودی خارج کرد و به
شکل نقشه مند و متمرکز انجام داد .

ما با چنین درکی از وحدت و اعتقاد دبه
ایجاد حزب طبقه کارگر رسماً به فوری تربین و
محوری ترین وظیفه کمونیستها بسوی وحدت گام
برداشتیم. از دیدگاه ما، وحدت ما و رفقای
بیکار حلقه ای از وحدت صفوف کمونیستها و گامی
کوچک در جهت تدارک ضروریات ایجاد حزب می -
باشد .

رفقا!

در مقابل جنبش کمونیستی ایران وظایف
سنگینی و تاریخی قرار دارد. امروز اگر چه غلبه
رویز یونیسیم بر نهضت کارگری حیان صفوف
جنبش کمونیستی حیان را دچار تشنگت و پراکنندگی
گردانیده است، امروز اگر چه با بگاها ی نیرو -
مند و رویز یونیسیم و کارگران مستقیم و غیر -
مستقیمشان هر جنبش نوپای کمونیستی را مورد
تهاجم آید ثلوزیک قرار میدهند، امروز اگر چه
جنبش کمونیستی جوان ما با بدوش کشیدن عوارض
انحرافات گذشته ناشی از سلطه رویز یونیسیم،
مراحل اولیه خویش را میگذرانند، اما ما
بحران کنونی حیان امپریالیستی رشد و
گسترش اوضاع انقلابی را نوید میدهند در این
میان، حدت یابی تشادهای جامعه و رونق
رو به رشد مبارزه طبقه ای، موقعیت خاص ویر -
جسته ای به کشور ما و جنبش توده ای آن و بویژه
پرولتاریای ایران میدهد. موقعیت و جایگاه
که چشم انداز سرخ با سکوهی را نوید میدهد، چشم -
اندازی که مبارزه ای بی امان را زمامت میدهد.
آری، برای غلبه بر ضعفها و نارسائیهای
خویش برای متحد و متشکل گردانیدن بیسروان
طبقه کارگر در حزبی سر و مند، برای بالابسی

صفوف خوش از فرم مس و تزلزلات رویز یونیسیتی،
برای مبارزه ای امان بر علیه رویز یونیسیم
جها نی، برای برافراشتن بر جم ظفر نم -
ون مارکسیسم - لنینیسیم برای تحقق هژمونی
پرولتاریا بر جنبش دموکراتیک خدامیرالیستی
شوده ها، برای تقویت و استحکام شترنا سیونال
- اسپرولتاری یک دنیا کار لازم است .

پس، دست بکار شویم رفقا! وظایف آینه ده
و حشمانداز نوید بخش آن، مبارزه ای بی امان
و خستگی ناپذیر را از ما مطالبید، سکوشیم
با بستگی رسالتی را که تاریخ بردوش ما
گذارده است دستهای شیم .

سکوسم حرکات هدفمند خویش را در راستای
ایجاد حزبی رزمنده که ادا میدهد بنده بلشویسم
با سد سازمان دهیم بکوشیم همیشه مصالح دراز -
مدت و آرمایه ای کبیر پرولتاریا را فراتر از هر
حزب قرار دهیم .

پیش بسوی مبارزه آید ثلوزیک سیکیرو
هدفمند برای سلامت و وحدت جنبش کمونیستی!
پیش بسوی وحدت صفوف کمونیستها!
پیش بسوی پاسخگویی به
جنبش اعتلا با بنده طبقه کارگر توده ها!
پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!
"انقلابون آزادی طبقه کارگر"

۵۹/۷/۱۵

بقیه از صفحه ۱۲ وظایف . . .

ز سر کمیته دارای قابلیت های سیاسی و تبلیغی
شده و با ذوق و خلاق باشند .

ب - کمیته ادا دمتشکل از رفقای خواهده بود
که قدرت ارتباط گیری توده ای و توانائی
رهبری و سازماندهی رفقای زیر کمیته را داشته
باشند. در این کمیته رفقای که توانائی های
منحصی در زمینه های پزشکی و . . . دارند، سازمان -
دهی میگردند .

ج - کمیته تشکیلات - ویژگی این کمیته در قدرت
سازماندهی توده ای، هدایت تشکیلاتی و قدرت
رهبری مبارزات توده ای است .

د - کمیته هماهنگی متشکل از ارشدهای کمیته
- ها میباشد که در صورت لزوم با بستنی یکی از
رفقای با تجربه تشکیلاتی در هدایت جمع شرکت
نمایند. این کمیته همی طور که گفتیم نقش رهبری
و هدایت عمومی کمیته ها را در راست و خطوط اساسی
فعالیت کمیته ها با ید توسط آن داده شود .

چند نکته مهم:

۱ - در تماس گیری با آوارگان و سازماندهی
آنان با بستنی استخوان بندی کارما را سازماندهی
شده های زحمتکش و کارگردر میان آوارگان (در
عین چند نکردن کامل صفوف آنان از بقیه آوارگان)
تشکیل میدهد. بدیهی است شرط مهم را دبکالیزه
کردن مبارزات آنان نیز همین است .

۲ - از کلیه رفقا خواسته شود که در اجرای طرح
فوق، برخوردی خلاق و منطبق با شرایط منطقه
نموده و در ارتقاء آن بکوشند و در همین رابطه
تجارب حاصله را برای ما ارسال دارند .

(قسمت هشتم)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون
تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

پیکار: همانطور که می دانید آیت الله خمینی در روز چهارم تیرماه جاری، طی سخنرانی خود از ملاقات سما با وی (السهبدون ذکر نام) در نجف و بعد از آن دعای غمینی سخنرانی اش به مراجع از این ملاقات در سال ۵۵ سخن گفت. از شما میخواهم با دلایل و عواملی را که موجب این ملاقات گردیدند، توضیح دهید.

رفیق روحانی: بدینال دستگیری وزدانی شدن تعداد بسیار زیادی از اعضا و هواداران سازمان مجاهدین در روز اول شهریورماه ۵۵ و روزها و ماههای پس از آن و در آستانه محاکمه آنان در بنیادگاههای رژیم آریامهری و احتمالاً حتی قطعیت محکومیت اعضا رهبری و کارها به اعدام، همزمان مجاهدان در داخل کسور طی نامه های خواستار آن شدند که در اینبار رهساز بر مسایل مربوط به جنبش انقلابی ایران و اوضاع جامعه با آیت الله خمینی، مذاکره شود و حتی الامکان کوشش شود تا پشتیبانی هر چند ضعیف او نسبت به مجاهدین و حمایت از آنها و جنبش انقلابی ای که در ایران بتازگی پا گرفته بود، جلب گردد و در صورت موافقت اعلامیه ای در همین زمینه از طرف آیت الله صادر شود و این در شرایطی بود که عناصر مختلف از روحانیت مرفقی در داخل کشور، موضع حمایت آسباز مجاهدین داشته و نتایج آیت الله خمینی بود که تا آنروز کاملاً سکوت اختیار کرده بود.

من و همزمان دیگر که در آن هنگام در خارج از کشور بودند، نظیر رفیق تراب حق شناس، علیرغم جفا ن بستی و تفکر التقاطی و مذهبی مان که بهر حال و بنحوی از آنحاء ما را در داخل خوشبینی نسبت به میزان پشتیبانی و حمایت آیت الله خمینی از مجاهدین و یا مواضع آنها مینموده، با توجه به اختلافات و مرز بندیهای مشخصی که با مواضع سیاسی و فکری آیت الله داشتیم و همچنین با نگاه تجربیات گذشته خودمان و مواضع و عملکردهای او در طول سالهای گذشته، از همان ابتدا چندان هم به نتایج ملاقات و مذاکره مان با آیت الله خمینی خوشبین نبودیم. از نظر ایدئولوژی، ظاهراً هم ما و هم آیت الله خمینی به مکتب اسلام معتقد بودیم اما هر یک با برداشته خاص خود از این مکتب سرداشتی که مشخصاً از موقعیت و منافع طبقاتی هر یک از ما ناشی می شد، آنچه که آیت الله خمینی بدان اعتقاد داشت بی کم و کاست همان بینش و تفکر اسلامی به مفهوم واقعی خودش بود و از همین رو همواره از اسلام دفاع کلیت خود و در تمام ابعادش بطور دگم دفاع کرده و همچنین می کند. اما ما از اسلام برداشته خاص خودمان را داشتیم برداشته مایلیم از گزاین انقلابی ما و دفاع از منافع زحمتگزاران بسود. آنچه را که ما از اسلام برداشت می کردیم، در واقع برداشتی التقاطی و دو الیستی بود که هم رنگ اسلام و مذهب را داشت و هم رنگ ما ر کسبم و فلسفه علمی را.

و سایرین از داخل کشور و علیرغم پیشنها دو اصرار رفیق حاجت کمک به آزاد ساختن ۹ نفر از اعضای سازمان ما هدین کسی از عملیات آزادسازی سوسیله هواپیما، در زندان عراق، تحت شکنجه بودند و حتی امکان داشت به ایران تحویل داده شوند، کوچکترین کمکی به ما بکنند و به این بهانه که از سوی من افساد می صورت گیرد، وضع آنها بدتر می شود! خود را کنا رکشید و با سخی به درخواستهای ما نداد!

آری، اینها تنها مسائل نبودند که سرز بندی ما را در زمینه های مختلف با آیت الله خمینی روشن میکرد و هم نظر که قبلاً اشاره کردم هر چند که هنوز بدلیل خاکداسی و تفکر

که تا کون نخواسته اند (آنها بپذیرند، اسلام سرور ما (و تا حد کمتری امروز اینها) متاسراً از فلسفه علمی و تاریکسم که بدان علاقمندی و اصراری نشان می دادند بود. درک ما از تکامل و بسنداش انسان و ارتکاب عمل اجتماعی و دورانهای تاریخی آن، مبارزه طبقاتی، نقش تاریخی شده ها و مقولات اجتماعی دیگر، همچون مقولات فلسفی و اقتصادی درکی کاملاً التقاطی و ملغمه ای از اسلام و ما ر کسبم بود و اینها هر متفکر مونیستی، خواه ما ر کسبست و خواه مسلمان بسادگی درک می کرد. ولذا تصادفی هم نبود که هم ما و هم آیت الله - حسینی در همان برخورد های اولیه متوجه اختلاف فاحسی که با یکدیگر داشتیم شدیم. مضافاً

همانطور که قبلاً اشاره کردم پذیرش قهر انقلابی و اعمال آن در قبال دشمنان توده ها، یعنی امپریالیسم و رژیم خائن و سرسپرده شاه، از جمله باورهای اصولی و محوری ما بود. خط مشی و سیاست ما یک خط مشی و سیاست انقلابی (هر چند خرد به روز و آشنی) بود. در همین رابطه آیت الله خمینی پس از سالها سکوت و معاشات در برابر رژیم خون آشام رضا خان و فرزندان مزدور و رضا پهلوی، مبارزه خود را با رژیم پهلوی از سال ۴۱، آنهم در چهار چوب یک مبارزه مسالمت آمیز شروع کرد.

ما همواره روی این اصل که باید تمامی حقایق را با توده هادریان گذاشت، تا کمی می ورزیدیم. ما چیزی برای پنهان کردن از کسی نداشتیم. بعکس ما در هر کجا و حتی در زندان، زیر شکنجه و میدان تیرا بازی زنگوردن اعتقادات و مواضعمان ابائی ندا شتیم.

التقاطی و مذهبی بر ما، قادر به مرز بندی اصولی و همه جانبه ما با آیت الله خمینی، مواضع و سیاستهای او نبودیم، معیناً اختلافات خود را با وی فراموش نکردیم و در برخورد با او و مطرح در خواستهایمان آنچنان دحار خوشبینی و خوشحالی نشدیم.

پیکار: ملاقات شما با آیت الله خمینی چه موقع و توسط چه کسی صورت گرفت و چه مدت به درازا کشید؟

رفیق روحانی: ملاقات من با آیت الله خمینی در نیمه اول بهمن ماه سال ۵۵ صورت گرفت و همانطور که میدانید و رفیق تراب هم برای شما توضیح داده است، این اولین ملاقات و تماس ما با آیت الله نبود. قبل از من و از نیمه دوم سال ۴۹ به اینطرف رفیق تراب بعنوان نماینده سازمان ما با آیت الله ملاقات و در باره مسائل مختلف با ما مبرده به گفتگو برداخته بود. ملاقات من با آیت الله نیز در جفا رجوی همیمن تما سها و ملاقاتها و با هدف بحث و گفتگو در باره مسائل مشخص و معین صورت گرفت. این که گفتید شما توسط چه کسی صورت گرفت، این کار عموماً چه در مورد من و چه در مورد رفیق تراب، توسط آقای دعایی که در آن دوره از جمله سمبتهای فعال ما در خارج از کشور بود

برای آنکه آیت الله بعنوان یک مونیست مذهبی متوجه التقاط فکری ما نیز شده بود. در زمینه مسائل سیاسی اختلاف میان ما و آیت الله خمینی با رز بود. همانطور که قبلاً اشاره کردم، پذیرش قهر انقلابی و اعمال آن در قبال دشمنان توده ها، یعنی امپریالیسم و رژیم خائن و سرسپرده شاه، از جمله باورهای اصولی و محوری ما بود و خط مشی و سیاست ما یک خط مشی و سیاست انقلابی (هر چند خرد به روز و آشنی) بود. در همین رابطه آیت الله خمینی پس از سالها سکوت و معاشات در برابر رژیم خون آشام رضا خان و فرزندان مزدور و رضا پهلوی، مبارزه خود را با رژیم پهلوی از سال ۴۱، آنهم در چهار چوب یک مبارزه مسالمت آمیز شروع کرد. اگر شما به مضمون و محتوای سخنرانیها و اعلامیه های آیت الله خمینی در آن دوره و حتی بعدها مراجعه کنید، ملاحظه میکنید که او در شدیدترین نطق و اعلامیه های خود هرگز از نصیحت کردن و اندرز دادن به شخص شاه و یا سران رژیمهای اسلامی چون عربستان - سعودی، اردن، هاشمی، مغرب، تونس، پاکستان و... کوتاهی نمیکند و از آنها میخواهند دست از ظلم و ستم نسبت به مردم کشورشان بردارند! بلاوه ما از یاد دنبردیم که همین آیت الله خمینی در ملاقات خود با رفیق تراب حق شناس در آبان - ماه ۴۹، علیرغم آنهمه توهینات و اللطالقات



و امروز خود را وقف فدا و انقلاب کرده است، صورت می‌گرفت. ملاقات ما با آیت‌الله طریحی جلساتی متوالی و هر بار ۲-۳ ساعت و در مجموع حدود ۱۰ ساعت بطول می‌انجامید. در همینجا با ایدان نکتہ را هم فاکه کنیم که این ملاقات و همچنین سایر ملاقاتهای ما با آیت‌الله، با توجه به نتایج و موقعیت اجتماعی مجاهدین خلق و تاشیری که این ملاقاتها و نتایج آنها می‌توانست بر روی هواداران آیت‌الله بگذارد، نمی‌توانست مورد توجه آیت‌الله خمینی قرار نگیرد و یا از آن بسادگی چشم‌پوشی کند.

پیکار: در سلسله ملاقاتهای که شما با آیت‌الله خمینی داشتند چه مسائلی مورد بحث و مذاکره شما قرار گرفت؟ مسایل محوری را همراه با توضیحات بیشتری برای ما بازگو کنید.

رفیق روحانی: روشن است که طی چندین جلسه و جمعا ۱۰ ساعت مذاکره، مسائل ریز و درشت و مختلف مورد بحث قرار گرفت. شوه کار ما چنین بود که ابتدا من مسئله مورد نظر را طرح می‌کردم و در ادامه آن توضیحات لازم را میدادم و در پایان نظرات آیت‌الله را در باره این مسئله جویا می‌خدم. آیت‌الله نیز بر خلاف آنچه که تا کنون ادعا شده که ایشان سکوت میکردند نظر خود را نسبت به یک یا یک این مسائل و لوید اکتما میداد.

از نظر ما اصولی این بود که قبل از هر چیز و طرح هرگونه درخواستی، نظرات و مواضع سازمان مجاهدین را که ما با آنها در آن بودیم، برای آیت‌الله خمینی به تفصیل توضیح دهیم تا جای هیچگونه ابهام و ابسالی در موضع گیری آیت‌الله نسبت به ما و یا درخواستهای ما باقی نماند. همواره از سوی خود آیت‌الله و ما برین گوش شده است تا بعد از تلفیق شود که ما قصد فریب آنها را نداشته ایم و این، آنها موفیقا نه ای بیش نیست! چنین شیوه ای نه با ایدئولوژی و نه با عملکرد انقلابی ما در طی سالان دراز در مقاله ما بر زمین سفاک بیثیوی خوانایی نداشت. ما همانطور که به کرات در بحثهای خود آیت‌الله خمینی یادآور شدیم و در همین معامه مسکن بدانها خواهم پرداخت.

ما همواره روی این اصل که با ایدتای مسی حقایق را با توده‌ها در میان گذاشت، تا کمدمی - ورزیدیم، ما چیزی برای پنهان کردن از کسی نداشتیم. بکنس ما در هر کجا و حتی در زندان، زبر شکنجه و میدان تیراز با زگو کردن اعتقادات و مواضعمان ایایی نداشتیم. حال اگر آیت‌الله - خمینی و سردمداران حزب جمهوری اسلامی نسبت به گذشته خود چنین احساسی دارند ایمن دیگر ما مربوط نمیشود. این خود آنها هستند که با ایدیه توده‌ها با سخندنگه چرا با ایدبر ابر جوانانی که سن آنها حداکثر به ۳۰ سال میرسید و به قرار صریح خود آیت‌الله و ما برین به قرآن و نهج السلاغه آشنا تر و مسلط تر از آنها بودند ابن همه دجا رعزوا و تفعل ل شوند و ایدتر از آن در

توحید این انفعال خود، به آنها مائسی با اید و بی مایه و مائلیهای عوامفریبا نه ای نظیر - "عالم‌مدانی و آن مرد بیهودی دست برسد!

من در توضیحات بعدی خود مودریا سخ بسه این سئوال شما به اسن نکه خواهم سردا خت که در سب سکنس، اسن آت‌الله خمینی بود که حدر همان زمان ملاقات ما و جدا مروزه حاضر نبود و نیست که حقایق امر بر مردم روس شود. چرا که در برنوائی حقایق دیگر جاسی برای حکومت - ولایت نقشه "مائسی نمی ماندا و زمین رومنافع

خاطرات...

۱- فرما شده‌ها و سران مزدور (که البته اکنون دیگر سا بوده‌ها ندو وجود ندارند!)
۲- پرسنل انقلابی و کسانی که بعدا انقلاب مومس هستند.
۳- کسانی که نسبت به همه چیز بی اعتنا هستند ما اگر اینها را انقلابی کنیم، دیگر ارتش ما مردمی و خلقی میشود!

سخنران با کمال مهارت مسائل را با هم قاطی میکرد و نتیجه میگرفت. او این واقعیت را پنهان میکرد که ارتش یک سیستم است و خوبی و بدی این سیستم از روی عملکردهای آن فضاوت می شود و ایتنگه در خدمت چه نظامی قرار دارد و در راه چه هدفی بکار میرود، اوستی مسکرد سگوید که اگر رنگ نک سربازها و درجه‌داران خوب باشند ارتش خلقی خواهد شد. درست مثل آنچه بگوئیم چون در زمان شاه اکثریت ارتش از فرزندان زحمتکشان تشکیل میشد پس دستگای بود در خدمت زحمتکشان!

بعد از سخنرانی با سری سنگین به آسانگاه برگشتم به چهره‌های سربازان مینگریستم. و ایتنگه چگونه می‌شود با اینگونه تبلیغات با اصلاح آنها را از "سی اعتنا ش" درا ورنده معنای واقعی، یعنی آنچه در دل آنها ن آتش کینه‌یی با ایدر نسبت به ایدر در آن کردشان سرفروزند. و آنها را بدشمنی با خلق کوداوارند حال آنکه سب و روراز ما بر علیه امریکا و عراق دم میزنند! (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

"ما با ایدفکرا نخاصی را که فقط از شرا سط موجود در دستگای و ایا فقط از زمستوا - ها و غیره ناراضی هستند، به یوج و بسسی مصرف بودن تمام این نظام سیاسی سوق دهیم". (۳)
بدین ترتیب شناخت ما رکسبسی اصلی - ترین نیاز توده‌ها و متمرکز کردن تبلیغ بر روی آن، بسیار حائز اهمیت است اگر ما نیکه نیاز توده‌ها مثلا با سخ روشن به مسئله جنگ ایران و عراقی است، از ایا سخ روشن و صریح به آن سرفرو با ززنیم و یا زمانیکه نیاز توده‌ها شرکت در قیام است، در مورد مسئله دیگری سخن بگوئیم و یا زمانیکه توجه توده‌ها به مسائلی مانند وقایع

تلقا شای و کامت سیستمی که وی در آن نفسش فعالی دارد، با حاب مسکنده همواره با تاسی انوار آکا هی سه مار زه بر خرد و مانع از دست - ماسی مردم به واقعیات جا مسکردد. سبهر حال من با پیروی از همان اصلی که در بالا اشاره کردم حد از طریق توضیح سفا هی و جدا از طریق در اختیار گذاشتن جزوات آموزشی سازمان نظیر "راه‌انیا" و "اما حسین" کوسید ما مواضع ایدئولوژیک و سیاسی سازمان مجاهدین را به تفصیل برای آت‌الله خمینی رو تن نمایم. ادا ممدارد.

داسگاه (اول اردبیلست) و ایا کردستان معطوف شده است، به آن سی توحید ما نمیم، نیا رتوده‌ها را مثلا در مورد قطع سود و یوزه، سبج بگریم، طبعاً نمی توانیم رهبری ما رزه طبقاتی توده‌ها را در دست بگیریم، ما با ایدیه همه مسائل توده‌ها با سخ بگوئیم و همه نیازها یشان را مورد بررسی قرار دهیم، تا آنها، همه با ما را در کتا ر خود ببینند. در یک کلام، تبلیغات با یستی مائسی خوانب ااسی ما رزه طبقاتی را منعکس سارد.

در عین حال که ما با یستی همواره نشان دهیم که اساسی ترین مسئله توده‌ها چیست و تبلیغ خود را بر روی آن متمرکز کنیم، توجه نکردن به برخی مسائل توده‌ها و یا توجه بموضع نکردن جزئی توحیی ما مرمبا رزه طبقاتی معنای دیگری ندارد. چیزی که تا دیروز مسئله اساسی تبلیغ بود چه بسا فرادا دیگر نماند. فرض کنیم در روز اول مهر، مسئله اساسی تبلیغات مربوط به مسازات دانش آموزی است، ما با جمله عراقی، نیازهای اساسی تری برای توده‌ها مطرح می‌شود: در قبال جنگ حبابا بدکرد (آنها بدنال این هستند که با سخ درست را شنوند و طبعه کمونسیتهاست که به این مسئله اساسی توده‌ها با سخ گویند. در چنین شرایطی مسئله اساسی مرود تبلیغ دیگر تغییر میکند، اگر چه با یستی مسائل دیگر نیز مورد تبلیغ واقع شود، ما نایا اید این مسائل، مسئله اصلی را تحت السع فراردهد.

در اینجا با یستی پیچیدگی خاصی را در مد نظر قرار داد. فرض کنیم ما مشعل تبلیغات انتخاباتی هستیم و در این ضمن رژیم، ترکمن صحرا را به خون میکند، در اینجا مسئله در سبست اینست که بهای هریک را در باره فته و آت‌نخا که هر دو مسئله، نیا زتوده‌ها هستند نیروی خود را برای تبلیغ در هردو مورد درستی تقسیم کرد. با یسد در هر مقطع تاریخی اساسی ترین مسئله توده‌ها را تشخیص داد، در عین حال که برای مسائل مهم دیگر نیز با یستی نیز و گذاشت. اگر تبلیغ را بر روی نیاز توده‌ها متمرکز نسازیم به سرنوشت همان فردی مبتلا می‌شویم که در تشییع جنازه هم بسه با زماندگان میگفت: خدا به کارتان برکت دهد و هر چه بیدریتما من شود. حال آنکه مردم نیاز به تسلیت شنیدن داشتند!

پیکار

نگاهی به: جنبش کمونیستی در عراق و خیانت روزیونیستها



سندرج به‌خاطر و با خنای رزمی خود، فعالیت‌ها
با آن محدودیت‌های کم و بیش، جنبش‌های
سوسیالیستی موجود، رما می‌با کمونیست‌ها علیه احزاب
دیگرورمایی با احزاب دیگر علیه کمونیست‌ها
متحدینند.

پیر برتولت که سندرج سلط خود را بر
رژیم حزب کمونیست کردید، بر سر این اقدام
کمونیست‌ها و سر و پا های دموکرات عراق توسط
رویم در برابر سلط عناصر راجع می‌رمواضع
حساب کشور خصوصی اریس، در برابر آیدند ه
کرمن حقوق ملی خلق کرد تا بورژوازی حاکم
ساری کردید. روزیونیست‌ها سرانجامی که برای
کمونیست‌ها خب بدست کرمن قدرت فرا هم‌بود
با دیده کینه دیدند و به‌توجه‌ها که می‌گفتند: "حزب
کمونیست با قدرت سیاسی را بدست کرد تا بح
من نمی‌داند. آنها در پی دست یافتن به
برخی از خواسته‌های حزبی و اصلاح طلبانه بودند
کننده می‌بودند و روییوسیت‌های عراقی برای
آنکه به دولت‌سازها و رندگه آنها را در کارگاه
سرک‌دهنده را سگلاب سری خود در اریس جواسند
گدبه "سورای انقلاب" نامیده و از آن جنبش
درخواستی را بسا بدو همگی آرا امضاء نمایند.
بدین ترتیب با مهربان ۵۵ نفر از سگلاب
نظامی حزب برای دولت لوروت و در سجده آنها
احراج و با ندرت ان اقتصاددا

خط می‌روزیونیستی، فرمت طلبانه و
املاح طلبانه‌ها کم‌ر حزب در کودنای ۸ فوریه
۱۹۶۲ برپا زین را بر ما ررحج داد. اسس
کودنا - هما نظور که در مقالات حمل گفته‌ام با
سارنگ اساسی سنجیها و طرفداران با صریح و
سوسوب و موجب کسار رمنج کمونیست‌ها و سورو -
های دموکرات عراقی شد. بوده‌های حزب حاضر
به تسلیم می‌بودند و چند ماه از کودتا سنی در
سوم زوشه همان سال یک سورس ارسوی اعصاب
هوا داران حزب در اریس علیه رژیم سرکوبگر
حسن البکر عبدالسلام عارف سوموع سوسوت که
نشان دهنده زنده بودن حبس درین نوده‌ها
بودولی رهبری روزیونیستی دست از ناظا
نگرداد! سورس بسوخونیستی سرکوب شد. سرپا
یکسال بعد یعنی در زوشه ۱۹۶۲ حزب روییوسیت
عراقی علنا حمایت خود را از رژیم عارف که مسبب
آزیمه جنایات فاشیستی علیه توده‌های خلق و

در ادا مدتها لاسی که حرکت حساب
ارخواست حساب انتحادی و ساسی عراق
را مورد بحث قرار میداد. در سماره گذشته
ارطیور حسن کارگری و کمونیستی و
سپنی که اس حسن در سار زده دموکراتیک
و صدامبرالسنی خلقیای عراقی انجا
گردد است، با حضا رحنی کنیم. لازم است
حاضرینمان کنیم که اس کمونیست‌ها را
نخلیلی و حقیقی می‌نظریم سرحدو -
بودن صحاب سگلاب فعالیت‌ها آنطور
کند با سدها ساسی اریس می‌آورند
لی آت سغورنگ ظل و سنج حساب
مقدس حقی دادند. اسم ایک ادا مد
سما ره سس را صحوا نند:

با سال ۱۹۵۸ که رژیم طلحی در عراق
و ارگون سگلاب سسپا - ساد سگلاب و
انقلابی و دموکرات به سار زده علیه امبرالسنم
انگلس و رژیم دست سبب دوجب الحضا نند آن
ادا مد میدند. کارگران و بوددهای ر حکمی
سپرها و دند را سار ما دهی میکنند و سس حساب
و سس گنددهای در امضا سبب و سبب احزاب
سوه‌های انجا می‌سما سبب. مثلا در اکتبر ۱۹۵۲
احزاب ساسی مترقی عراقی "اردولت جواسند
که تا سون اسخا سبب را سس سده و سبب حسابی
اسخا سبب سس سس سس، سس سس سس سس
را سس سس رکنه. اس احزاب هم سس جواسس
سما سس سس سس عراقی و انگلس، سس سس سس
دفاعی سس سس و ملی کردن صنعت نفت (سبب
تا سس سس سس) سس "ولی دولت، حاضر سس
ضول اس جواسس سس". در زور ۲۲ سس سس سس
سدا و سس سس سس حدود ۲۰ هزار نفر که سس
دانشجویان و سس سس سس کون سس سس
نما سس سس حسابی سس سس سس سس سس
اموال آمریکا سس سس و انگلسی هار سس (۱)
کمونیست‌ها در سس سس سس سس سس سس
به سس سس سس سس سس سس سس سس
اتحادیه دموکراتیک جوانان و اتحادیه‌های
کما و سس سس سس سس سس سس سس سس
در با بگه "حنا ننه" رهبری نمودند. کمونیست‌ها
در بین اریس نیز سس سس سس قابل سس سس
آوردند.

در ۱۲ زوشه ۱۹۵۸ که سس سس سس سس
رژیم سلطنتی و از گون شد، کمونیست‌ها ارجحان
قدرت نوده‌ای بر جورد را سس سس سس سس
سبب وجه سس سس سس سس سس سس سس
گرایش‌های روزیونیستی که از ۱۹۵۶ سس در
داخل حزب کمونیست عراقی سس سس سس

(۱) نقل از کتاب "در خاور میانه چه گذشت؟" صفحه ۲۷۷

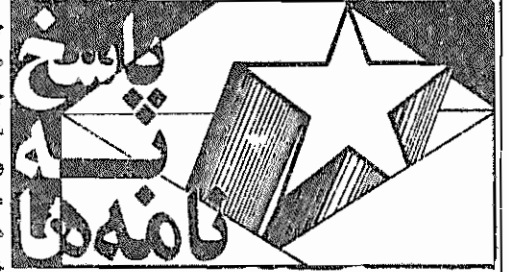
کمونیست‌ها بودا بر ا زدا سبب و طی سبب سس
سرنامه‌های اقتصادی رژیم عارف را "گامی در
راه سس سس" نامید! سس سس سس
رهبری حزب که سبب سس سس سس
سس از کودنای عارف (سال ۶۲) محور سس
خط می‌سرنکونی رژیم را سس سس سس
سبب سس، را ه خود را سس سس سس
جداکرد و این موجها و سس اسباب در درون حزب
کردند.

سس اسس اسس سس سس سس سس
را را کرده و سس سس سس سس سس
در حزب ما نده بودند. اسس سس سس سس
کمونیست عراقی - کمینه انقلابی "سور سس
اسس اسس سس سس سس سس سس
مرز بندی سس سس سس سس سس
سوزرواری و حاکمیت آن مرز بندی می‌سبب
مسائل مورد اختلاف سس سس سس سس
های سس سس سس سس سس سس
اسس سس سس سس سس سس سس
نشان داد که حل اختلافات درون حزبی از طریق
دموکراتیک درون سس سس سس سس
سوزرواری سس سس سس سس سس سس
سس سس.

اما اسس اسس سس سس سس سس
و سس سس سس سس سس سس سس
سده، سس سس سس سس سس سس
سسی روسی را در راه سس سس سس
دموکراتیک ارا نده سس سس
سده که سس سس سس سس سس
کاری و سس سس سس سس سس
عموم سس سس، جاسوسان رژیم به داخل سس
رحه سس سس سس سس سس سس
سده سس سس سس سس سس سس

سار راه سس سس سس سس سس
(ح. ک. ع. کمینه انقلابی) در سس سس
کمونیستی از دوجبه هم از سس سس
جاسب حساب سس سس سس سس سس
در دناک سس سس سس سس سس
اسس سس سس سس سس سس سس
سس سس سس سس سس سس سس
"حزب کمونیست عراقی سس سس سس
آید. ارا نده سس سس سس سس سس
روزیونیسم، سس سس سس سس سس
بوده‌ای و سس سس سس سس سس
سسی و سس سس سس سس سس
و سس سس سس سس سس سس
هم سس سس سس سس سس سس
سسخسری سس سس سس سس

گروه‌های دیگری که سس سس سس
در بین اسس سس سس سس سس
بقیه در صفحه ۸



جراشعار

جمهوری دمکراتیک خلق را تبلیغ میکنیم؟

رفقای بسیاری از ما پرسیده اند که چرا ما شعار "برقراری جمهوری دمکراتیک خلق" را تبلیغ میکنیم؟ یا این شعار در این شرایط با ذهنیت توده ها منطبق است؟ با طرح آن چپوآنه چیست؟

در پاسخ با بدگفت نه! شعارها در شرایط گوناگون نقشهای متفاوتی را ایفا میکنند. شعار ترویجی با شعار تبلیغی و شعار رتبلسی با شعار تهییجی و این آخری با شعار رورهنمود عملی متفاوت دارد. هرکدام از آنها در شرایط خاصی از جنبش میتواننند نقش متمماتی ایفا کنند.

فی المثل در دوران رکود جنبش در سالبسان گذشته، شعار سرنگونی رژیم شاه یک شعار ترویجی بود و نمیتوانست یک شعار رتبلسی گسترده باشد و طبعا این شعار نمیتوانست در اعلامیه های تبلیغی - توده ای نقش برنده داشته باشد. اما در دوران آغاز انقلابی حاصما که در آن نظرات و مبارزات توده ها با لگرفت در موقعی که مردم خفته بیدار میشدند و سورا انقلابی در آنان فزونی میگرفت، در این شرایط شعار سرنگونی رژیم به یک شعار رتبلسی گسترده بدل گشته بود و ما آنرا میتوانستیم در سطح وسیعترین توده ها تبلیغ نماییم.

در شرایطی که انقلابی پدیدار میشد، شعار سرنگونی رژیم، به یک شعار تهییجی تبدیل شده بود، دیگر در نظرات گسترده توده ای نمیتوانستیم توده ها را حول این شعار تهییج و حرکت درآوریم و آنها را بسیج نماییم. در دوران موقعیت انقلابی شعار سرنگونی رژیم دیگر بیک شعار عملی بدل گشته بود، موقعیت انقلابی برقرار بود و سرنگونی رژیم شاه امری عملی بود که با یدبه تدارک و سازماندهی توده ها برای به اجرا درآوردن آن اقدام مینمودیم و در همین رابطه تبلیغ مسلحا نه در دستور روز قرار میگرفت.

لنین در برخورد به انقلاب اکتبر می گوید: "گرچند روز در برتر رهنمود قیام را سرای سرنگونی رژیم بورژوازی طرح می نمودیم، یقینا انقلاب شکست میخورد، چنین است که اگر نتوانیم، انواع شعارها را درک نموده و هرکدام از آنها را در شرایط مساعدش بکار ببریم نمیتوانیم به انحرافاتنا ریشستی یا اکومونیستی در غلطیم فی المثل تبلیغ مسلحا نه در دوران رکود جنبش توده ها، آنرا ریشموما چرا جوشی محض است و ناگزیر گروه تبلیغ کننده را به دسته جدا از توده بدل مینماید، چنانکه این امر مثلا در مسورد

جریکهای فدائی در دوران رژیم شاه صادق بود. همچنین در دوران موقعیت انقلابی حاکم - سر جاصما، عدم تبلیغ مبارزه مسلحانه و محدود نگاه داشتن مبارزه و سایر راه در سطح اقتصادی و سیاسی در حالیکه توده ها فرسنگها از آن جلوتر میباشند، حرکتی اکومونیستی و عقب مانده است. همانگونه که بن انحرافاتنا ما در اکثر نیروهای خط ۳ در زمان فیما مینا هدیدیم، در مورد شعار جمهوری دمکراتیک خلق، با بدگوشیم که در شرایط افت و رکود جنبش این شعار جسبه ترویجی دارد، اما در شرایط اعلامیه جنبش که توده ها دارای روحیه سیاسی هستند و با فروریختن تومشان از رژیم جمهوری اعلامی، بدنیبال آلترنا تیبود دیگری میکردند، بی شک تبلیغ آلترنا تیبوشعار جمهوری دمکراتیک خلق از وظایف محوری ما است و برخلاف درک رفقای جریکهای فدائی (اقلیت) نهنشها این امر جیب - روی نبوده، بلکه سرچورد عملی نسبت به شرایط موجود (اعلای انقلابی و روحیه سیاسی توده ها) میباشد. ضرورت تبلیغ این شعار رهام اکنون جزو برنامهدسانی کمونیستهاست. عدم تبلیغ این شعار را مری اکومونیستی سوده و در شرایطی که نوه توده ها بصورت گسترده فروریزد، عمد م ارا نه و تبلیغ اسن آلترنا تیبو برای ارتقاء آنها امری را ستروانه محسوب میگردد. بدنیسن لحاظ تبلیغ این شعار در جنبش شرایطی بصورت بسیار گسترده و تبلیغی، بگانه شعار صحیحی است که سده میتواند مبارزات طبقه و توده ها را در راه پله با برنامهدسانی کمونیستها ارتقاء دهد.

رفقای "هسته تلاش" در اصفهان

نامه شما سپمرا که رگرا نقدرتان بدستمان رسید! رفقا از اینکه دست به جمع آوری مقالات پیکار مربوط به لهستان و جاب آن به صورت جزوه زده اید، جای بسی خوشحالی و امیدواری است. با اینهمه ذکر چند نکته را در رابطه با رهنمودهایی که خواسته بودید، لازم می دانیم:

۱ - رفقا! اگر منظم با یک، تشکیلات وظیفه ما است. چه بدیبطریق از خرده کاری، انسللاف انرژی و برانکنده کاری جلوگیری میشود. یک تشکیلات سبگیر ما که دارای تئوری، برنامه، سیاست، رهنمود، تقسیم کار درونی، سلسله وظایف متعدد و پیچیده و دارای ارگانهای گوناگون است، هم در عرصه سیاست و هم در عمل بهتر میتواند از هسته های کوچک و محدود که فاقد شرایط نامبرده است، فعالیت نماید. وظیفه هسته های ما - که در ارتباط تشکیلاتی قرار دارند، اینست که هر چه زودتر در سایه مبارزه پدشولوزیک فعال و مرزبندی با انحرافات درون جنبش کمونیستی با پیگیری ترین جریان جنبش کمونیستی ارتباط برقرار نمایند.

۲ - رفقا! درست است که انتشار مقالات مربوط به لهستان توسط شما تا شیرخوبی در تبلیغ و ترویج وظایف سازمان دارد، ولی انتشار نوشته های ترویجی بصورت جزوه، اگر مدتی هم

از آن بگذرد چندان کهنه نمیشود، در حالیکه نوشته ها، اعلامیه ها و مهمترا همه خودنشریه پیکار رگدان تبلیغی - سیاسی است، اگر بیکهفته از آن بگذرد کهنه میشود. از اینرو رفقای هواداری بستی در درجه اول به تکثیر و توزیع سریع اعلامیه ها، تراکت ها و بیگاریا قسمتهائی از آن اقدام کنند و بتوانند در این فعالیت تبلیغی که مبراب گسترده تر از ترویج است و با بد منظم تر و سریعتر صورت گیرد، سازمان را یاری رسانند. بویژه که در شرایط حقا فاعلی همراه با محدودیت های چاپی، مالی و توزیع، میدان تبلیغ ما علیرغم جنبه بحوری آن محدود گردیده است.

۳ - از جمله فعالیت های دیگری که شما مینوانید انجام دهید، الف - انتشار اعلامیه های محلی بنا م هواداران است که بدین ترتیب در منطقه خود، حضور مادی خویش را نشان داده و بتوانید، در تبلیغ و ترویج سازمان تدهی و هدایت مبارزات توده ای منطقه موثرا واقع شوید.

ب - در کنار تکثیر و توزیع اعلامیه های تبلیغی، تراکت و یا قسمتهائی از پیکار، بزرگ سوبسی مطالب کوتاه سکاروتراکتها، شعارنویسی و... از جمله فعالیت های تبلیغی است که بویژه در این شرایط نقش برجسته ای در تبلیغ دارد.

ج - ارسال اخبار و گزارشات و... در مبارزات طبقه کارگرو توده ها برای پیکار از دیگر وظایف مهمی است که شما میتوانید انجام دهید.

۴ - شرکت فعال در مبارزات روزمره توده ها، ا بجا دهسته های کمونیستی در میان آنان، تلاش در جهت رهبری تشکلات توده ای و... از جمله وظایف کمونیستهاست. در کارخانجات و موسساتی که نامبرده اید ایجاد دهسته های کمونیستی، تبلیغ و ترویج مواضع سازمان، بخش هر چه بیشتر پیکار در آن موسسات، کمک دیگری است که شما میتوانید در راه آنرا برولنا ریا انجام دهید.

۵ - جمع آوری و ارسال کمک های مادی یکی از وظایف مهم دیگری است که شما میتوانید پیگیرانه در راه آن اقدام نمائید. بویژه در شرایط فعلی که سازمان از نظر مالی درمقیه اسب، این امر از ضرورت بیشتری برخوردار است دست آخر رهنمودهای عملی مشخص و وظایفی که با یدیدان پیرا خت را میتوانید از ظرفی با برقراری ارتباط تشکیلاتی با رفقای سازمانی ما در آنجا و همچنین از طریق صفحات (وظایف عملی ما، رهنمودیه هواداران و یا سخنی بارفتا

... بطور مرتب دریافت کنید. رفقا! منتظرا نتقادات و پیشنهادات و نامه های دیگران هستیم!

پیروزباشید

نامه یک رفیق کارگر به سازمان

اخیرا نامه ای از طرف یک رفیق کارگر بدست ما رسیده که ما بدلیل اهمیت آن قسمتهائی از نامه را بر سرخی صحیحات حزئی انشائی در

ملاحظات کوتاه

خودشویبار، اسمشویبار!

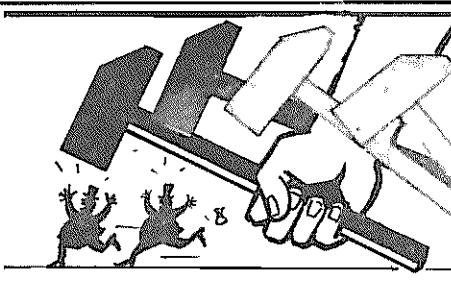
فضیه تجدیدرا بظه با "شیطان بزرگ" وحل
مسالهای بنا م "گروگانها" که روی دست رژیم با د
کرده است بجا های "هیجان انگیز" خودرسیده
است. "ول میکشم"، "ول نمیکشم"، "اگر"، "مگر"
و "توبه"، "تکا مل معنوی آمریکا"، "قطعات
بیدکی"، "غلطی نمیتوانند بکنند"، و جزاسنها در
فضا طنین اندازاست ولی در باطن، چون در این
نظام اقتصادي سرما یهداری وابسته چاره ای برای
رژیم جمهوری اسلامی جز تجدیدرا بظه با میربا -
لیستها وجودندارد، عملا همان راهی را میروند
که ظاهرا آن را نمی میکنند. لیبیرالها با دشمنان
گردومیشکنند که "دیدید ما راست میگوئیم!"
و... حتی آیت الله منتظری هم از عدم حضوری
نمایندگان مجلس برای حل و فصل قضیه گروگانها
انتقاد میکند. این قضیه ای را بیاد میا ورد که
میگویند: خانی درسرا ه به کاروانسرای
وارد شد. هوا سرد بود. پتو ولحاف خواست. ولی
نداشتند. وقتی اصرار کرد، کاروانسراجی گفت:
"آقا، ببخشید، پتو ولحاف نداریم ولی جمل
(پالان) داریم". خان برآشت و او را دشنام داد.
شب هوا خیلی سرد شد و خان داد کشید که بتو
بیار، لحاف ببار، و کاروانسراجی جواب داد آقا
گفتم نداریم. خان گفت: "آن چیز دیگری که
سرب گمتی بیار ولی اسمش رانیا را!

سرهنگ مژدن و

"فیلمی که رژیم در آورد!"

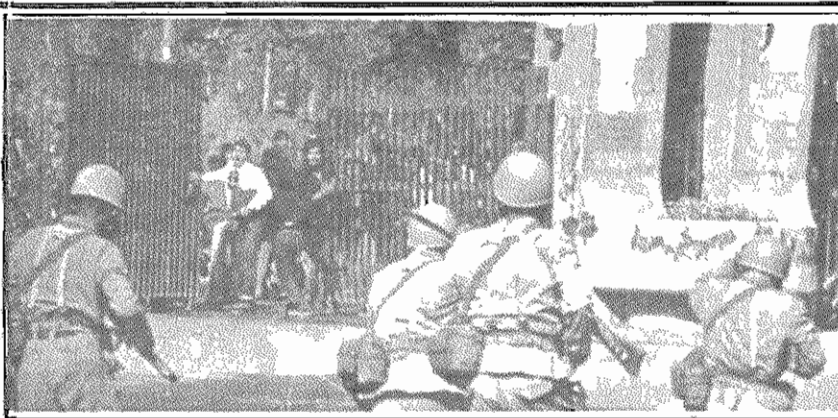
در هفته پیش یک روضه خوانی نوع جدید
برسر "کورشدن" چشمهای سرهنگ مژدن در
تلویزیون و مطبوعات به راه افتاد، بعضی
دلاری والیه تریک (!) گفتند و بعضی دیگر
چشمها شان را خواستند به و هدیه کنند، یکی
برای او سرگفت و یکی دیگر...
چنا سرهنگ مژدن که مژول خودس ۲۵ سال
است افسرانس بوده (بسی از فردای ۲۸ مرداد
افسرسده!) و با کفن "سپادس" بصورت یک "حز"
تمام عار را زآب درآمده، درمدح چهره
اسلامی و نداکاری برای اسلام و ایران خلی
داد سخن داد ولی تکم کدومی درالهای
کدسه درآدا رد دوم رنس کارمکرده خرازد
همکارانسمی خورده است که حاراست زن
و بجهاس راپس نای شاهسا سربرد!
او و محنین برده از این راز معجزه آسا که
در دوران جمهوری اسلامی می تواندا ت...
ببندد برندا است که اگر چمن - چنانگه میگوید -
موردا ما بت شرکش بمب و خمپاره ترا رکرفنند

نشریه، برگزاری نما یسگا ه و...
۴- نقاط مثبت و نقاط ضعف کار "عنصر آگاه".
۳- برخورد نیروهای سیاسی مختلف نسبت به
مبارزه کارگران (موضعگیریها بنا بر نسبت به
مبارزه، نقسان در مبارزه، همکاری آنها با
یکدیگر و...)
۱۲- با بیان مبارزه و حکومتی تمام شدن آن:
۱- عقب سینی کارفرما و دولت و بیروزی کارگر
- ان (نسبی ویا کامل در آن مقطع) یا شکست
مبارزه.
۲- در صورت بیروزی، نقش عنا صرا آگاه در بیه
بیروزی رساندن مبارزه و تسکین کارگران.
۳- در صورت سکت، نقش عنا صرا آگاه ه چه بود؟
۴- نقش عنا صرو نیروهای سیاسی خائن و سازس
- کارو... در به سازش کنانندن، جلوگیری از
بیروزی کامل و بیا به شکست کنانندن مبارزه.
۵- نقش ارگانهای سرکوبگر (پاسداران، ارتش
و... در دورروشی با کارگران.
۶- نقش تشکلهای زرد (انجمن اسلامی و... در
جریان مبارزه.
۷- نقش سخنرانیهای تحمییکننده آوندها،
کارفرما و مقامات دولتی در مبارزه.
۱۳- مشخص کردن ضرورتها که کارگران
در جریان مبارزه به آنها بی میبندند، نظیر ایجاد
صندوق اعتصاب، ارتباط گیری با کارگران
سایر کارخانهها برای تشکیل اتحادیه و...
۱۴- موضعگیری و نقش مهندسی، کارمندان
و سرپرستها در جریان مبارزه کارگران.
۱- از چه حواسها بی پشتیبانی و با کد میگ
مخالفت داشته اند و چرا؟
۲- تا تیر موضعگیری آنها در مبارزه کارگران،
۱۵- ارزیابی از کل حرکت و جمع بندی
دساوردهای مثبت و منفی مبارزه.
۱- نقاط قوت و ضعف مبارزه را در تمامی دوره
آن تریح کنید و به ویژگیهای اشاره کنید.
۲- ارزیابی و تحلیل از روحیات کارگران در
هر دوره از مبارزه.
۳- در صورت سکت مبارزه، علل آن تحلیل شوند.
۴- مشخص کردن برخوردها و حرکتها "حب" و
راس در هر دوره از مبارزه.
۵- دستاوردهای مثبت مبارزه را شرح دهید.
۶- تا سرب این مبارزه در حرکتها بی بعدی کارگران.
۷- نقسان مبارزه در بالا بردن آگاهسی و
نسکل کارگران و شناسانندن قدرت واقعی آنها
به خود آنها.
سروزناسد!



بقیه از صفحه ۳ پرسشنامه...

۶- جو عمومی مبارزاتی در سطح جامعه
(اقتسار و طبقات مختلف):
۱- در مطلق که این مبارزه جریان داشته جو
عمومی مبارزاتی جامعه (اقتسار و طبقات مختلف)
حکونه بوده است؟
۲- میزان تاثیرپذیری کارگران کارخانه از
جو عمومی مبارزاتی جامعه.
۳- اسر متقابل حرکت اعتراضی این کارخانه
در سایر کارخانجات و سطح جامعه.
۴- تعیین ترکیب کارگران از نظر ملیتها و
تاشیر مبارزات خلقهای کرد، ترکمن، عرب و...
در کارخانه.
۷- در مبارزه چه بخشی از کارگران پیشرو
بودند و چه بخشی عقب مانده؟
۱- در صدا کارگران پیشرو، متوسط و نا آگاه در
مبارزه و میزان هژمونی کارگران پیشرو چقدر
بود؟
۲- ویژگیهای کارگران پیشرو و عقب مانده در
مبارزه چه بود؟ (قدیمی یا جدیدی، تعلق به
قسمتهای خاص کارخانه، سطح سواد و دانش،
تجربه مبارزاتی و...)
۳- نقش کارگران زن در مبارزه چه بود؟ (دنباله
- رو، فعال و بیسروبی، تفاوت، مخالف و...)
آیا خواستههای مستقل از کارگران مرد را هم
مطرح میکردند؟ و چگونه؟
۸- گروهبندیهای درون کارخانه و برخورد
آنان به مبارزه کارگران (مثلا تفا دبین جناح -
های مختلف در درون کارخانه، متاثر از جناح -
بندی درون هیات حاکمه، بین کارفرما و انجمن
اسلامی، بین کارفرما و سرپرست دولتی و طرفدار
- ان مدیریت سابق و... برخورد کارگران
نسبت به آنها؟ حکومتی استفاده از تفا دههای
درونی کارفرما و عوامش توسط نیروهای آگاه.
۹- نقش تشکلهای زرد و وابسته نظیر انجمن
- های اسلامی، شورای زرد کارخانه، نیروی
ویژه و... در جلوگیری و سدا انحراف کنانندن
مبارزه و دورودر روبرو قرار دادن کارگران.
۱۰- زمینههای موجود اختلاف بین کارگران
و سوء استفاده کارفرما از آن و برخورد عنصر
آگاه با آن.
الف: زمینههای اختلاف.
۱- با سابقه و کم سابقه.
۲- کارگران زن و مرد.
۳- ویژگیهای قومی (مثلا کارگران کرد در
مقابل دیگران قرار دادن و برعکس).
۴- اختلافات مذهبی و...
ب- چگونگی سوء استفاده کارفرما و عوامل
آن از این اختلافات.
ج- نقش عنصر آگاه در از بین بردن این
اختلافات و مقابله با سوء استفاده کارفرما.
۱۱- نقش "عنصر آگاه" در جریان مبارزه
و تا سرات آنها.
۱- عرصه فعالیتها و تبلیغی و ترویجی عناصر
آگاه (سخنرانیهای افشاگرانه، سخنرانیها و



۱۳
روز
نبرد
آبان

خونین دانش آموزان انقلابی با مزدوران رژیم شاه گرامی باد

بوسیله ارتش سوسده خود میخواست آنرا خاموش سازد. آری ۱۳ آبان نقطه عطفی در جنبش انقلابی دانش آموزان و صفحاً افتخار آفرینی در تاریخ جنبش انقلابی خلقهای ایران میباشد. قیام شکوهمند توده های خلق با ازبین بردن بساط سلطنت ضریبات سختی به ما بگاہ میریالیسم وارد ساخت. بر روی سیستم آسب دیده ها ما نابود نشده سرما بیداری و با بستر زیمی سرکار آمدک به ترمیم سیستم سرما بیداری و با بستر همت گماشت و به این هدف نمیتوانست جا مع عمل بیوشاند، مگر با فریب دادن و افزایش توهم توده ها و سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان، خلقها، دانشجو-یان و دانش آموزان انقلابی.

دانش آموزان انقلابی

اکنون مبارزات انقلابی شما با کلیه دستاوردها پیش آماج حملات ددمنشانه ارتجاع حاکم قرار گرفته است. علاوه بر فشار و خفقان رژیم جمهوری اسلامی، موج تهاجمات سازشکارانه و رویزیونیستی و فساد انقلابی نیز مبارزات شما را مورد هدف قرار داده است. حفظ و تعمیم سنتهای انقلابی جنبش دانش آموزی در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و توده های ستمدیده خلق از جمله وظایفی است که در این مقطع بردوش شما قرار دارد. ضمن مبارزه متشکل بسرای آزادی فعالیت سیاسی در مدارس با تمام اقوا از اخراج معلمین و دانش آموزان انقلابی جلوگیری نمایند. افشای هیئت حاکمه و نیروها و جریانات سازشکار و فساد انقلابی نظیر فداشان (اکثریت) حزب خائن توده و سهجانی ها از جمله وظایف شما در جهت دفاع از دستاوردهای مبارزات انقلابی تان میباشد. جنگ ایران و عراق، ضرورت شناساندن ماهیت و سیاست بورژوازی حاکم بر دوش کشور و اهداف آنها از اذامه این جنگ و افشای سیاستها و عملکردهای سوسیال نوینیستها و وظیفه انقلابی رفقای دانش آموزان را در دو جند ان نموده است. رفقای هوادار و وظیفه دارند با الهام از رهنمودهای سازمان، اهداف ضد خلقی دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق را از این جنگ افشای نمایند. این امر بویژه در مناطق جنگی و مناطقی که آواره شدگان از جنگ بدانجا کوچ کرده اند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

در آستانه دومین سالگرد ۱۳ آبان، روز نبرد خونین دانش آموزان انقلابی با ارتش رژیم وابسته به میریالیسم شاه هستیم. دوسال پیش جنبش دانش آموزان انقلابی بمنا به بخشی از جنبش دمکراتیک - خدا مسریالیستی توده های خلق به اوج خود رسید و دانش آموزان انقلابی خبا با نهایی تهران، بویژه اطراف دانشگاهها از خون سرخ خویش گلگون ساختند، خونی که پیروزی خلقهای ستمدیده ایران بر مزدوران امبرالیسم آمریکا را نوید میداد.

به موازات رشد گسترش جنبش دمکراتیک - خدا مسریالیستی توده های ستمدیده بر علیه رژیم وابسته به میریالیسم، جنبش دانش آموزی نیز تحت تاثیر تشکلهای سیاسی - انقلابی جامعه و گرایمات ایدئولوژیک - سیاسی و طبقه های آنها، بطور فعال و تاحدی متشکل در راهبرنداختن رژیم وابسته شاه به حرکت درآمد. در روزهای قبل از قیام، دانش آموزان مبارز و انقلابی به همراه کارگران و زحمتکشان و دانشجویان انقلابی، شهرهای ایران را از غریب فسادهای انقلابی، آکنده ساخته بودند. رشد جنبش انقلابی توده های زحمتکش، هر چه بیشتر موجب رشد و تعمیق مبارزات دانش آموزان انقلابی گردید. تا این - که روز ۱۳ آبان ۵۷ فرارسید. در این روز هزاران دانش آموز و دانشجوی انقلابی، با تظاهرات و شعارها و شعارهای انقلابی خود، در حوالی دانشگاه تهران دستگاه بوسید رژیم شاه را به لرزه درآوردند. دهها تن از دانش آموزان و دانشجویان انقلابی در این تظاهرات وسیع توسط مزدوران شاه بخون خویش در غلطیدند. ۱۳ آبان ۵۷ روز تحقیر بساط سرکوب رژیم شاه توسط دانش آموزان انقلابی بود. رژیم شاه برای سرکوب جنبش انقلابی توده ها و جلوگیری از گسترش آن، در شهرهای مختلف از جمله در تهران حکومت نظامی برقرار کرده بود. دانش آموزان انقلابی بدون وحشت از کشتاری که رژیم مزدور قهرمان تهران و شهرهای دیگر بر آنها انداخته بود، در روز ۱۳ آبان با تظاهرات انقلابی و جانبازی قهرمانانه خود نشان دادند که هیچ نیروی رایا رای مانع از شعله ورندن آتش خشم انقلابی توده ها نیست، آتشی که رژیم شاه

بقیه ر ۱۸
اینجا درج می کنیم:
رفقا خسته نباشید!

من دریکی از کارخانه های حادثه کرج کار میکنم که نزدیک به تهران می باشد و کارخانه من در جنوب غربی تهران میباشد. گلاسه ای از رفقا در زمستانه فعلیتان دارم. گلاسه امدرباره مسئله جنگ میباشد. همانطور که میدانشیم از معدود گروه یا سازمانهایی که جنگ را تحریم کرده اند و امروز - بندی دقیق با دور زیم ضد خلقی کرده اند سازمان میباشد...

رفقا راه طولانی در پیش داریم، نباید بیبریم با بدتلاش کنیم، باید فدا کنیم، باید نعره بزنیم و با فدا عمل با شیم، رفقای دد (دانشجویان و دانش آموزان پیکار) با شما هستیم ما کارگران. کمکاری میشود، حندان فعال نیستیم چرا؟ چرا مواضع طبقه کارگر در مقابل جنگ در بین ما آورده نمیشود، رفقا ما منتظریم که شما با دستان پربیا شید.

صبح که بسوی کارخانه سرازمیشویم در کوچه و خیابان در پشت در خانه مان انتظار اعلامیه - تان را میکنیم، ولی متاسفانه ای نیست و اگر هم هست، اندک است.

رفقای مبارز روز رزمنده کمونیست هوادار سازمان!

با بدجنسیم رفقا، باید دست در دست هم بدون تزلزل با روح جنگنده و فعال با گامهای سریع بر جمیع نیت نظراتمان را بر افرازیم. ما چراغ راهنمایمان باید همگام با هم، با برنامه، با تقسیم کار در مراحل، به بخش اعلامیه به نوشتن شعار بر روی دیوارها، اتوبوس و... و خلاصه به افشای ماهیت جنگ بر دایره رژیم، زیرسرا بر ما بیداران و هواداران آنها (اکثریت - فداشان و...) در کارخانه تاجات دست در دست هم داده اند و در جابیدن و گول زدن تمام زحمتکشان آنها با زورسان و اکثریت (فداشان) با علشان ما را می چایند. آری با بداین خائنین را افشای و طردنما شیم. سرما بیدارها، با سرما به شان، حزب توده و اکثریت (فداشان) و دیگر خائنین زیر چتر طبقه کارگر به گول زدن کارگران مشغولند و همه دقان زحمتکشان به دام آنها می افتند. باید کارکنیم و افشای نمائیم، و این کم - کاری بخصوص از طرف "د" و "س" بر رفقا باید جبران شود و تکرار آن قابل قبول نمی باشد و در خدمت سرما بیداران و رژیم جمهوری اسلامی می باشد.

بس برویم و فعال و پر شور با گامهای بلند بنام آرمان طبقه کارگر، برای زحمتکشان فعال نویم و ما هیت جنگ را افشای کنیم.

رفیق کارگر! میدوایم کلبه رفقا و هواداران ما به پر شور و خوار خواننده و در جهت رفع ضعفها و سستی ما اقدام کنند. دست تورا به گرومی می فشاریم!

یاد "حیدرخان عمو و غلی" ستاره سرخ جنبش کمونیستی ایران را گرامی بداریم!



هفتم آبان سالروز دستگیری و (بفاصله چند روز) شهادت انقلابی کبیر و کمونیست برجسته، رفیق "حیدرخان عمو و غلی" است. رفیق حیدرخان مغز متفکری در انقلاب مشروطیت و جنبش گیلان، یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست ایران، انترنا سیونالیستی سیکرورر مندهای برشور بود. حیدرخان در سال ۱۲۵۹ در ارومیه بدنیا آمد و در کودکی به همراه خانواده اش جزو مهاجرینی بود که به روسیه رفتند. او از دانشگاه تفلیس مهندسی برق خود را گرفت و در همینجا بود که تحت تاثیر چرخش معده انقلابی روسیه، با مارکسیسم و جنبش سوسیال دمکراتیک روسیه آشنا شد. پیدایش کمونیسم در ایران آمده و بفاصله چند سال انقلابی و ترویج ایده‌های مشروطه خواهی میسر داد. در جریان انقلاب مشروطیت نقش بر تحرک و خلاق حیدرخان، چشمگیر و همواره موجب دلگرمی انقلابیون بود. بطوریکه میگویند: "ستارخان" انقلابی و دمکرات بزرگوار از زبان و فکر خویش میدانسته است. در ایران حیدرخان به تشکیل اولین هسته‌های سوسیال دمکرات (اجتماعیون - عامیون) میپرداخت و دوستانه‌های مسلحی از انقلابیون (بنیاد جمعیت‌های مجاهدین)، برای دفاع از انقلاب تشکیل میداد که به عملیات متعدد و متهورانه‌ای دست میزدند، (از جمله انفجار بمب در خانه وزیر مخصوص محمد علی مبرز، قتل اتابک اعظم)، همواره با رشد انقلاب جمعیت‌های مجاهدین سرعت در اکثر شهرهای ایران ایجاد میکردند. اما بعلمت پراکنندگی وضع سوسیال دمکراتها، رهبری اغلب این جمعیتها بدست عناصرا زشکار و لیبرال میافتاد که نتیجه نامطلوبی نتوانند در مقابل آنها جمعاً میریالیسم و رجوع داخلی مفاومت کنند. تنها جمعیت مجاهدین تبریز تحت رهبری حیدرخان و انقلابیونی چون "علی مسیو"، مفاومت قهرمانانه‌ای را بر علیه امپریالیسم روس (تزاری) و نیروهای مترجع داخلی، بنمایش میگذارند.

با شلیک توپهای انقلاب کبیرا کتبیسر، پیروزی طبقه کارگر در روسیه و برقراری حکومت سوسیالیستی توراها، روحی تازه در کارکنان جنبش سوسیال دمکراتیک ایران دمیده شد که نتیجه اش ایجاد حزب کمونیست ایران در سال ۱۲۹۹ بود.

اتحاد و همکاری حزب کمونیست و دلاوران جنگل و تشکیل دولت انقلابی در گیلان موجب شعله ور شدن مشعل انقلاب در ایران میگردد و منافع امپریالیسم انگلیس و مرتجعین داخلی را سخت بمخاطره میاندازد. اما دادها و مهیاستهای نا در دست جناح "چپ" حزب (مانند حمله "احسان الله" - خان "بتیران" که بدون تصمیم "کمیتته انقلاب" انجام گرفته بود) از یک طرف و تزلزلات میراز - کوچک خان که دمکراتی مذهبی با پایگاه طبقاتی خرده بورژوازی بود، از طرف دیگر، موجب برهم خوردن اتحاد دولت انقلابی و نهایتاً نکست جنبش گردید. کوچک خان که رشد جنبش کمونیستی او را بوخت انداخته بود، بجای استقبال از نقش اصولی حیدرخان که در جهت

تحکیم و حفظ وحدت صفوف خلق گام برمیداشت به تبعیت از تزلزلات طبقاتی خویش، چنان سیاستی را دنبال کرد که سرانجام دستور بگلوله بستن محل کمیتته انقلاب (ملاسرا) را داد که در جریسان آن حیدرخان دستگیر و بعداً ز چند روز بشهادت میرسد.

با شهادت حیدرخان، گرچه ضربه سنگینی بر پیکر جنبش انقلابی و کمونیستی ایران وارد می‌آید، اما درسی بس عظیم نیز بدست میدهد که همانا ضرورت وجود ستاد واحد و زنده طبقه کارگر در راس مبارزات انقلابی خلق است. تنها این چنین رهبری است که میتواند دور از زهر گونه تنگ نظری و محدودنگری خرده بورژوازی انقلاب دمکراتیک و ضدا میریالیستی خلقهای ایران را به پیروزی برساند.

رفیق حیدرخان عمو و غلی بدون شک یکی از بزرگترین چهره‌های انقلابی و کمونیست ایران و کشورهای تحت سلطه است. سراسر عمر کوتاه او آکنده از شادانها، فداکاریها و در واقع تجسم تاریخ انقلاب است. بدرستی که تاریخ ۷۰ ساله جنبش کمونیستی میهنمان ستاره‌های تابناکی چون حیدرخان را کمتر بر تارک خویش دیده است. رفیق، انترنا سیونالیستی بیگیر و پرشور بود که وفاداریه آرمان سرخ پرولتاریا، شب و روز میجنگید و در عرصه‌های مختلف مسار ره چنان نبوغ و خلاقیتی از خود نشان داد که جنبش بین المللی کمونیستی، سزودی او را بعنوان فرزند راستین و سازشنا پذیر طبقه کارگر شناخت. سخنان در میتینگ بین المللی کارگران بطور گرا دیبترین گواها بنام است:

"رفقا! ما فرزندان خلقیم و برای احقاق حق خلق مبارزه میکنیم. سر ما بسودان دشمن ما هستند. ما از هر گونه سازش با این ستامگران امتناع میورزیم. اینها خفه کنند و جنبش رها نشی بخش و مکنده خون مردم زحمتکش هستند. در مبارزه با این ستامگران برای ما یا مرگ و یا پیروزی است! از هر گشت و عقب نشینی برای ما موجود نیست! ما به پیروزی خود اعتقاد داریم. ما مطمئن هستیم!"

یاد سرخ گرامی و آرمان کبیرین
روشنگرا همان بساد!

را مورد حمله قرار داده و با آمریکا بیخوابند آنها ما هیت کشیف خود را بیشتر نمایان میسازد و به این ترتیب تئورما هرا نه رژیم برای بمباران سقزنا مشدوم مردم ما قلبی آکنده از خشم نسبت به سرکوبگران راهی خانه‌های ویران شده از زخمبارهای آمریکا نشی خود شدند. آنچه مسلم است اینست که رژیم گرچه با اسنکار میجوهد نشان دهد که تجارت ب ضدا انقلابی صهیونیستها را خوب یاد گرفته است ولی اینها هیچکدام برای رژیم کار ساز نخواهد بود و به ضد خودش بدل خواهد شد و توده‌های خلق کرد روز بروز ما هیت بلید رژیم را بزمینشاند و به مبارزه قاطعتر آن بر میخیزند.

بقیه از صفحه ۲۱ جشن ..
عده‌ای از مردم که از نهر خارج شده بودند شب در مساجد و توراها بر سر سجذغانده بودند. وعده‌ای دیگر از مردم با طرف پادگان بردند که بیرون کردن مردم با زور از شهر تا ساعت ۵/۵ ادا میدادند در این ساعت در پادگان سقزجاش خود فروخته و فرماندار سقز مسعود طلوعی بسرای مردم سخنرانی میکنند و در کمال بیشرمی بسه سیاق تمامی سرکوبگران میگویند این که چیزی نیست این فقط دهن شیرینی بوده منتظر عروسی اش هم باشد و طبق معمول گریزی نیز به صحرای کریمیند و نیروهای انقلابی و مبارز

نقش رفیق حیدرخان که در تشکیل کنگره اول حزب در سال ۱۲۹۹ و بر خوردن نظرات حزب روانه مطر و وحدت آن از سوی رفیق سلط نژاده و چه در تشکیل کنگرانس با کور سال ۱۳۰۰ که در آن حیدرخان را به دبیر اولی حزب برگزیدند و بویژه نقش او در تمویب برنامه حزب توسط کمیته مرکزی ای که وی در راس آن قرار داشت و تصحیح تحلیل چپ روانه حزب از جا معایران که به اتحاد کمونیستها با نیروهای دمکرات و جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان لطمه وارد میاورده، نقشی است تاریخی که جنبش انقلابی و کمونیستی ایران با ید همواره آن با افتخار و تجلیل یاد کند.

